



معرفت

دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی ارگان نشراتی انجمن اخلاق و معرفت
دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان

سال پانزدهم ، شماره‌ی پنجم سرطان ۱۳۹۶ هجری شمسی، مطابق با شوال ۱۴۳۸ هجری قمری، برابر جولای ۲۰۱۷ میلادی

۱۷۳

در این شماره می‌خوانید...

سرمقاله

از جوزای ۱۳۵۸ تا جوزای

از معراج برخوایم گشت!

او تروریست نیست!

رهبری مسلمانان...

تا خوار نگردیم!

فانوس ادب

بیداد مثلث شوم...

محمد مارک تا آغوش اسلام

اخبار جهان اسلام

گزارش

مسارک عید

چشمه سار قرآن و سنت

عن أبي أيوب الأنصاري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «من صام رمضان ثم أتبعه ستاً من شوال كان كصيام الدهر». رواه مسلم.

ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «کسی که رمضان را روزه گیرد، سپس در پی آن (بعد از عید) شش روز از شوال روزه بگیرد، مانند روزه دهر (تمام عمر) است».



معرفت ماه

دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی

- * معرفت مطالب چاپ شده را به جز سرمقاله الزاماً بیانگر مواضع خود نمی داند.
- * از پیشنهادات، انتقادات و مطالب ارسالی شما استقبال می شود.
- * حق ویرایش و پیرایش را برای خود محفوظ می داند.
- * معرفت از همه قلم به دستان و فرهنگیان کشور تقاضای همکاری معنوی دارد.
- * نوشته های تان را به نشانی دفتر انجمن اخلاق و معرفت - بخش نشرات و یا از طریق ایمیل ماهنامه برای مان بفرستید.

* آدرس: سرک باغ آزادی، جاده ابن سینا، ابن سینا - ۱ - انجمن اخلاق و معرفت

تلفن: ۰۴۰ - ۲۲۳۷۰۱۲

جاهای فروش:

- کابل: چهار راهی انصاری، انتشارات رسالت، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشارات اصلاح افکار.
- هرات: انتشارات ابن عربی، فاروقی، محمدی، ندای اسلام، آفاق و دیگر کتابخانه های شهر.
- بلخ: شهر مزار، شرق روضه، عثمانی مارکت، منزل سوم، کتابخانه عمومی رسالت. موبایل: ۰۷۹۹۳۷۹۳۲۴
- فراه: شهر فراه، قلعه ارباب، چهار راهی مولوی، مرکز علمی فرهنگی توحید ۰۷۹۴۳۵۵۹۷۳
- بادغیس: شرق مسجد جامع بزرگ، مارکت برادران امینی، منزل دوم، کتابخانه امام ابوحنیفه (رح). ۰۷۹۷۸۸۴۸۵۸
- تخار: بازارچه کتاب، کتاب فروشی مولوی حبیب الرحمن. موبایل ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲
- نیمروز: شهرزنج، سرک د افغانستان بانک، جنب ریاست زراعت دفتر جمعت اصلاح ۰۷۹۵۷۷۴۴۲۵

چاپ: شرکت چاپ و نشراسلمی

شمال پارک مسجد جامع بزرگ هرات ۲۲۲۹۶۶۴

صاحب امتیاز:

جمعیت اصلاح افغانستان دفتر ساحوی هرات
(انجمن اخلاق و معرفت)

مدیرمسئول:

عبدالقدیر «صالحی» ۰۷۰۰۴۱۴۸۶۶

سر دبیر:

عبدالخالق «احسان» ۰۷۸۹۰۰۸۱۵۲

هیأت تحریر:

محمد سهراب ناصری، بصیر احمد مبصر
سید مسلم لیبی، محمد سعید سدید جامی
عبدالرحمن عزام.

دیزاین:

عبدالظاهر «فیاض»

تیراژ: ۱۳۰۰ جلد با توزیع همزمان در هرات و بلخ

مسئول عمومی توزیع معرفت: محمد قاسم محق ۰۷۹۸۶۰۴۳۲۶

پست الکترونیک: Marefatmonthly@yahoo.com

آدرس وب سایت: www.eslahonline.net

آدرس وب سایت جمعت اصلاح هرات: www.akhlaqmarefat.com

تلگرام: @akhlaqmarefat

قیمت هر شماره ۱۵ افغانی

رمضان؛ سوختن و ساختن



یک ماه مهمان خدا بودیم و اینک رمضان، این یار مهربان رخت سفر بر بسته و با ما وداع نمود.

اما، پرسش بنیادین اینجاست که: ما از مدرسه ی انسان ساز آن چه آموختیم، و حالا بعد از رمضان حالت ما چگونه است؟! اگر بر لفظ «رمضان» درنگی هرچند کوتاه داشته باشیم، در می یابیم که رمضان؛ رمز سوختن و ساختن است. رمضان از ریشه ی «رمض» و «رمضاء» (سنگ و ریگ داغ که پای انسان هنگام گزاردن روی آن گرم و متألّم می گردد) برگرفته شده است و از روزه ی توأم با گرمی و توانفرسایی اشعار میدهد. و چه پیوند عمیق و دقیقی ست میان اسم و مسّی.

در دیدگاه برخی اندیشمندان مسلمان این ماه از آنجا «رمضان» نام گرفته تا سنگر سوزنده گی و سازنده گی باشد. فرصت سوختن و ساختن؛ بستر سوختن پستی ها و پلشتی هایی که از دیرباز بر روح و روان مان مستولی گشته و جانِ جانان ما را مکدر ساخته است، برهه ای برای پالودن درون و شستن غبار زنگار از آئینه ی تمام نمای دل.

بیاید از خود پرسیم که: ما در رمضان که گذشت چه کردیم، و چه قدر توانسته ایم جامی لبالب ازین کوثر جوشان و خروشان بنوشیم، تا بتواند روح مان را عالی و متعالی ساخته، و تشنگی های روز سرنوشت ساز رستخیز را رفع و رفو نماید؟!

آیا تقوای منصوص علیه: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ} [البقرة: ۱۸۳] (ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه فرض شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند فرض بوده است، تا باشد که پرهیزگار شوید.) را کسب نموده و سپری ستبرین در رویایی با نفس و افلیس کمایی و آماده کرده ایم؟!

این پرسش ها پاسخ هایی راست و درست می طلبند، و از مهمترین نشانه هایی سوالیه ایست که پس از رمضان فرا راه انسان مسلمان سبز شده و نیازمند جوابی صادقانه است.

پس، ای مرد مؤمن!

سر بر آستان فکر فروکن، خود را بکاو، و بیندیش که تاثیرات این ماه عظیم به چه پیمانه یی ترا دگرگون کرده، و تا چه مدت با تو خواهد ماند.

و هان، نکته ای بس مهم و ارزنده!

ربانی باش نه رمضانی!

رمضان آمد و بر کویر خشک و تشنه ی دل های افسرده بارید و رفت و چه گمان، شاید شاهد حضور پرشور و میمون دیگرش باشیم یا خیر؛ هیچ تضمینی وجود ندارد!

در یک ماه تمام، تمام دستگاه وجود مان ربّانی و رمضان شده بود. سی روز عمر گران بها مان را صرف راز و نماز، تسبیح و تلاوت و صیام و دعا و قیام دعا برای او تعالی نمودیم و اینک او رفته، مائیم و درسها، اندرزها و توشه یی که از خوان

کرمش کمایی کرده ایم. چه خوش که کسب آن همه فضایل و فواضل بماند و در رمضان المبارک خلاصه نگردد و چه خوب که آن ذکر و دعاها یار لحظه های اوج و عروج مان باشد، خشوع همچنان روح نماز و نیاز مان باشد، قرآن هم سانِ قبل بهار دل ها بماند و عبادت های مخلصانه و عاشقانه سراغ خانه و آدرس کاشانه ی ما را گم نکند.

همچنان ربانی بمانیم، برای تغذیه و تقویت بُعد روحانی خویش برنامه ریزی نموده و بکوشیم.

به امید آنکه ازین به بعد نیز لحظات و لمحات سبز زندگی توأم با برکات و فیوضات ربانی و رمضان بوده، و سر رشته ی پیوند با خود و خدا از دستان و داستان ما بیرون نجهد.

بمنّه و کرمه...

از جوزای ۱۳۵۸ تا

جوزای خونین ۱۳۹۶

از نبر جمعیت صلح

استاد نصیر احمد نویدی
رئیس شورای مرکزی جمعیت
اصلاح افغانستان



صلح و قطع جنگ اولین خواست مردم افغانستان است، مردم از حکومت توقع دارند که عوامل جنگ در کشور را تحلیل درست نموده، دست جنگ طلبان را از همان بالا تا پائین از سر ملت ما کوتاه سازد.

اگر عامل دوام جنگ سیاست های امریکا در منطقه است، آقای اشرف غنی باید مانند رئیس جمهور قبلی با سران قصر سفید صحبت جدی نموده از قبول کمک های مالی شان در ازای دوام جنگ در کشور خودداری نماید و شرایط جدیدی بخاطر همکاری انسانی با افغانستان را با ایشان مطرح سازد.

اگر مشکل در همسایگان ماست، با صراحت با ایشان به گفتگو نشسته در ازای قبول خواسته های جایز، دست مداخله ی شانرا از امور کشور ما کوتاه سازد. و اگر مشکل در گروه های مسلح داخلی است، گفتگو و صحبت سازنده و صادقانه را تا وقتی با ایشان دوام دهد و شرایط معقولشان را تاجایی بپذیرد، که طرف مقابل مطمئن شده و به صلح راضی گردد.

ادامه به صفحه ۹

می شوند، وقتی که خانه های ما ویران میشود، وقتی که امنیت در کشور ما وجود ندارد، مردم مقصر اولی حکومت خویش را می دانند؛ زیرا از وظایف اساسی حکومت حفظ امنیت و آبروی مردم است.

حکومتی که نمی تواند از زندگی مردم حفاظت نماید، دیگر چه دردی را دواء خواهد کرد. آقای رئیس جمهور در خلال کمپاین انتخاباتی خویش به مردم وعده داده بود که با مخالفان مسلح مصالحه نموده و امنیت را به کشور باز خواهد گردانید و بعد در اولین روز ریاستش پیمان امنیتی با امریکا را با همین وعده امضاء نمود که افغانستان را کشور قوی و با ثبات ساخته جلو هر نوع تجاوز و تعدی بر افغان ها را صد نماید.

اما دریغا که چنین نشد و با آمدن حکومت وحدت ملی و بعد از امضای پیمان امنیتی، افغانستان بیش از هر وقتی دیگر نامصوون تر و غیر مطمئن تر گردید.

فرزندان کشور همه روزه به نام این و آن قربانی جنگ و بمبارد، انفجار و انتحار می شوند، بدون اینکه امیدی به آینده داشته باشند. حکومت باید درک کند که تحقق

صبح روز چهارشنبه ۱۰ جوزا بود، به مجرد ورود به دفتر قلم و کاغذ را برداشتم تا به یاد شهدای ۸ و ۱۴ جوزای ۱۳۵۸ که در زندان خلقی مظلومانه به شهادت رسیده بودند، چیزی بنویسم. هنوز در مورد انتخاب عنوان به نتیجه نرسیده بودم که زمین لرزه ای شدیدی دفتر ما را تکان داد و به تعقیب آن آواز مهیب انفجاری شنیده شد و دود غلیظی از منطقه ی مرکزی شهر به هوا بلند گردید. با عجله به سراغ رسانه ها رفتم تا از حقیقت حادثه آگاهی بیشتر بیابم. بعد از چند ساعت جستجو چیزی جز همان سناریوی تکراری را نیافتم، انفجار انتحاری، ولی با کمیت بسیار بزرگ مواد و ساحه ی بسیار وسیع تخریب، ده ها شهید، صدها زخمی و هزاران متضرر.

تحلیلگران سیاسی و امنیتی شروع میکنند به تحلیل قضیه، یکی را ملامت و دیگری را سلامت میکشند، ولی این که چه کسانی مسبب چنین حادثه و حادثات مشابه میباشند، دیگر برای

مردم افغانستان بی معنا گشته است. وقتی که فرزندان ما کشته و زخمی

از معراج بر خواهم گشت!

نوشته: محمود صقر
ترجمه: سید مسلم لیب

رهنمون شدن افرادی چون ابوجهل و ابولهب و حمالة الحطب؛ کسانی که دلهاشان چون سنگ و یا هم سختتر از آن است و احساس شان مرده چون جسم دفن شده در قبور است. و افرادی نیز هستند ملایم تر از وزش نسیم صبح و پاک تر از آب جاری اند که در نزد یزدان مهربان مایه ی فخر یر فرشتگان اند. افرادی هم وجود دارند که نه چنین اند و نه چنان، نه بسوی این و نه بسوی آن. منتظر سخنان پاکیزه و لبخندهای دوستانه و نوازش های مهربانانه ی تو اند. در انتظار نمونه ی حقیقی در صدق و وفا، ثبات و مردانگی و بیان کلمه حق میباشند.

آری! ایشان در انتظار تو اند.

ای یونس زمان! بسوی شان بشتاب و (آنان را ترک مکن) گرچه تو را آزار و اذیت نمودند و تو را ترک گفتند، اما... بایستی رسالت را ادا نمایی. پس مردمان را ترک مکن و خشم گین مباش و از رسالت و وظیفه ات مگریز، چه بسا بخاطر ثبات و فریادت در دل ماهی آنجا که ناله سر دادی «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» ما همه را از

تاریکی شکم ماهی برهانیم.

مینمود و من همچنان مست و مدهوش یادش گشتم. سپس خواب بر من آمد و باقی شب را میان خواب و بیداری گذراندم. گاهی خواب میدیدم و آرزو میکردم که روحم در معراجش به پرواز درآید. اما... افتاب طلوع کرد و صبح پدیدار گشت.

اما بدان! ماندن در آسمانها و بسنده نمودن به حیات معراج گون- با آن همه صفا و زیبایی اش- چیزی نیست جز فرار از ادای رسالت و مسوولیت انسانی و اسلامی حالانکه ما در روی زمین دارای رسالت هستیم. (و زندگی در بین مردم و ادای وظیفه و رسالت بدون روحیه معراج گونه، عذاب و دردی جانکاه است.

همین ادای رسالت و مسوولیت مداری بود که پیامبر خدا را واداشت تا از گردا گرد عرش الهی بسوی زمین خدایی فرود آید و در آسمانها منزل نگیرد؛ برای اینکه رسالتش را به کسانی چون ابوجهل و ابولهب برساند و این یعنی ادای رسالت و امانت.

(زاد و توشه مان آنجا) در معراج (و رسالت مان اینجا) در زمین. (توشه مان معراج، پرواز به ملکوت، همراهی فرشتگان و شوق به آنچه که نه چشمی آنرا دیده و نه گوشی شنوده) بهشت است. (اما وظیفه و رسالت مان اینجا در دنیای انسانها است.)

اگر به آسمان ها عروج نمایی، به دروازه هایش پربگشایی و مقام سدره المنتهی را تماشا نمایی و چنان به رحمان نزدیک گردی تا آنکه فاصله ی تو و خدایت به اندازه ی دو کمان شود و یا هم نزدیک تر از آن، آیا برگشت به زمین را آرزو مینمایی؟ و دوباره به زمین برمیگردی؟ یا اینکه گرداگر عرش یزدان بگردی و جاودانه شوی - جایی که پُر از صفا و پاکی و مملو از نور و مَلک است- تمنای بازگشت به زمین داری؟

اصلاً چگونه دل را طاقت آید کز آن عالم بالا به دنیای سفلی سقوط کند؟

اگر من نافرمان این همه زیبایی را به تماشا نشینم و همراهی یکی از اهل معراج را دریابم، هرگز آرزوی برگشت از آن معراج زیبا در آسمان خدا را نکنم.

شبی را در دفتر خاطرات زندگی ام یاد دارم که هرگز فراموشش نمیکنم، شب زیبایی بود؛ شبی که همدم اشعار شاعر معروف عرب «ابن الفارض» بودم. در دیوان اشعارش میچرخیدم و از صفائی اش میگرفتم، چشمانم تا دیر وقت نخفت و پلک نزد و داشت آنرا میخواند تا اینکه به نیمه اش رسیدم. آن شب با دیوان شاعر زیستم و زیستم و چشمانم در حیرت و هیجان بود. در شعرهایش یاد مصطفی صلی الله علیه و سلم تبلور

او ترورپست نپست!

نوشته: محمد محمود
ترجمه: عبدالخالق احسان



برنامه های تلویزیونی، برنامه های رادیویی، اینترنت و... می پرداختند. فلسفه ی داعیانه ی این دعوتگر نامدار، بر حمایت علم به گونه اساسی و فراهم کردن فرصت های آموزشی برای جوانان، استوار بوده و مدرسه ی اسلامی بین المللی را تأسیس نموده و هم چنان مرکز اسلامی همکاری را به هدف آموزش جوانان و نوجوانان فقیر در بمبئی اساس گذاشت.

رسانه، به حیث منبر دعوت

دکتر ذاکر نایک در نتیجه ذکاوت و هوشمندی فوق العاده و تجربه کامیاب و موفق در میدان دعوت، به این نظر شد که ضرورت است، رسانه به حیث منبری از منابر دعوت و ایستگاه برای رساندن حق و نشر آگاهی بین مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد و اندیشه را ازین دریچه نشر و پخش نماید؛ لذا شبکه تلویزیونی صلح “Peace TV” را راه اندازی نمود، و تمام برنامه های آن به زبان انگلیسی نشر می گردید، در مدت اندکی نشرات این تلویزیون در بیش از ۲۰۰ دولت در قاره های مختلف گسترش یافت و در واقع پروژه ی معرفی کننده ی بزرگی بود که اسلام را به صورت صحیح و درست آن به ملت های جهانی تقدیم می نمود.

در سال ۲۰۰۹م فرع جدیدی برای این تلویزیون افتتاح گردید که به زبان اردو نشرات داشت و اردو زبانان را مخاطب قرار می داد، و این گستردگی ها ادامه یافت تا اینکه بخش دیگری به زبان بنگالی فعال گردید.

این شبکه تلویزیونی به صورت مستقیم،

داشته و به نبوغ و فرزانی رسید و نیرومندی اش در میدان دعوت اسلامی به اوج رسید. ایشان به این نظر بودند که جوانان مسلمان خیلی نیازمند کسی اند که آنان را از حالت نابودی و شکست نجات دهد، چون این سردرگمی جوانان، تأثیر دردآوری بر اندیشه و دیدگاه شان نسبت به دین اسلام دارد.

دوکتور نایک، در سال ۱۹۹۱م انستیتوت اسلامی (Islamic Research Foundation (IRF را تأسیس نمود که به حیث مرکز شناخت حقیقت اسلام بدون تحریف و تزویر، برای مسلمانان و غیر مسلمانان محسوب می گردید؛ هم چنان یکی از اهداف بزرگ این مرکز آموزشی، نشر مفاهیم صحیح اسلامی در جهان آلوده با افکار مسموم و زهر آگین نسبت به اسلام بود، این انستیتوت، از تکنولوژی معاصر برای تحقق اهداف خود بهره گرفته و توسط آن به نشر ویدیوها،

ذاکر نایک، دعوتگر مسلمان هندی، دوکتور، جراح، دعوتگر و مربی ای که آوازه اش در اطراف و اکناف جهان طنین انداز است. ایشان از آوان طفولیت، مسؤولیت دعوتگری را بر عهده گرفته و در راه نیل به این هدف بزرگ تربیت شده و رشد یافته است.

ذاکر نایک، در ۱۸ اکتوبر سال ۱۹۶۵م در یکی از نواحی شهر بمبئی که یکی از بزرگترین شهر های هند می باشد، چشم به جهان گشوده و پیش از راه یافتن به دانشگاه بمبئی، از چشمه سار علوم شرعی در مدارس دینی، سیراب گردیده و از دانشگاه دو سند فراغت (طب و جراحی) دریافت نموده است.

در سال ۱۹۹۱م، دوکتور ذاکر نایک، توجه به تحلیل مقارنه و مقایسه ادیان را آغاز نموده و به این علم اهتمام ویژه مبذول

سخنرانی ها و کنفرانس ها و برنامه های مرتبط به جوانان را پوشش می داد و برنامه های آموزشی برای اطفال نیز داشت؛ دعوتگر توانا ذاکر نایک این شبکه را به “Edutainment Channel نامگذاری نمود، و این اصطلاح جدیدی بود که برنامه ی تفریحی را در خدمت آموزش قرار می داد؛ اما متأسفانه در سال ۲۰۱۶م نشر این کانال های تلویزیونی در هند و بنگلادیش متوقف گردید.

ذاکر نایک، دعوتگر کاریزما

دوکتور ذاکر نایک، زیاد از شیخ و دعوتگر متوفا، شیخ احمد دیدات متأثر بوده و او را استاد و مرجع خود در دعوت می پنداشت، ذاکر نایک به حفظ سریع، قوت حافظه و حضور ذهن امتیاز یافته و به آسانی می تواند، مفاهیم را با هم مرتبط ساخته و بین آن ها مقارنه و مقایسه نماید، این توانایی از او خطیب توانا، مناظره کننده ی قوی ساخته که در مناقشه و گفتگوها، طرف مقابل را با روش های بی نظیر و کمیاب وادار به شکست و عقب نشینی می کرد. دانشمند دینمارکی توماس هانسن در مورد ذاکر نایک می گوید: روشی را که دوکتور ذاکر نایک در حفظ قرآنکریم و احادیث نبوی به زبان های مختلف به کار می گیرد و به آسانی می تواند مفاهیم را شرح و بیان نماید، از او شخصیت بسیار مشهوری در جهان ساخته و بسیاری از محاضره ها و گفتگو هایش توسط ویدیوها در انترنت به صورت گسترده نشر گردیده است، مهمترین موضوعاتی که بسیار در موردش صحبت نموده است، موضوعات اسلام و علوم جدید، اسلام و مسیحیت، اسلام و سکولاریزم، می باشد.

ستاره مناظره های دینی

اولین مناظره را ذاکر نایک در سال ۱۹۹۴م همراه نویسنده بنگالی خانم تسلیم ناسرین انجام داد، موضوع مناظره مفهوم اسلام بود که در کتاب او به نام “Lajja” مورد بحث قرار گرفته بود، این مناظره بیش از

چهار ساعت ادامه یافت و چهار روزنامه نگار آن را نظارت و اشراف می نمودند. و در سال ۲۰۰۰م مشهورترین مناظره های عصر را با ولیام کامبل پروفیسور ایرلندی و متخصص کیمیا راه اندازی کرد و موضوع مناظره (قرآن و انجیل در روشنایی علم) بوده و دعوتگر توانا ذاکر نایک درین مناظره خوب درخشید و دلایل و شواهدی از قرآنکریم و انجیل ارایه نمود که طرف مناظره را به حیرت واداشته و درین مناظره پیروز میدان گردیده و شاگردان و پیروانش افزایش یافت و درخشندگی و موفقیت او نه تنها در جهان اسلام، بلکه در غرب نیز گسترده شد.

بیش از ۴۰۰۰ محاضره و مناظره را در کشورها و قاره های مختلف از هند تا گامبیا، از استرالیا تا امریکا تقدیم نموده و دوست داشتنی و متواضع بوده و اسلوب مهذب و جانانه ای دارد که توانست، قلب های زیادی را در خارج از دایره اسلام جلب نموده و آنان به دعوت او روش دعوتگری اش، دل بسته و تعدادی ایمان آورده و تعداد دیگری در انتظار اند، این موفقیت های فراگیر و گسترده دعوت اسلامی توسط این دعوتگر پرتلاش، سازمان های مسیحی و بودائی را وحشت زده نموده و آشفته نمود؛ چون این گسترش روز افزون دعوت اسلامی را خطری بر باورها و برنامه های خویش دانستند.

محکمه هندی در شهر بمبئی، حکم گرفتاری دعوتگر ذاکر نایک را صادر نموده و تهمت پولشویی و تروریستی را به ایشان نسبت داده و هم چنان حکومت هند از پولیس بین المللی انترپول خواستار همکاری در گرفتاری دوکتور نایک و بازگردانیدن شان به هند، شد؛ واضح است که این ادعا در حق ذاکر نایک، واهی بوده و قناعت بخش نمی باشد؛ بلکه حالا وقت آن رسیده که این صدایی را که در کلیسا ها و کنیسه های شان تکرار می شود و در باور های شان خلل و تزلزل ایجاد می کند و با

دلایل قوی و نیرومند اعتقادات شان را مردود ثابت می کند؛ خاموش نمایند. در هیچ صورتی امکان ندارد که دوکتور ذاکر نایک به اعمال و افکار تروریستی و افراطگرایی متهم گردد؛ چون تمام سخنرانی ها و گفتگوهایش وجود دارد و نشانگر شخصیت متوازن و متعادل اوست که با اسلوب عالی گفتگو می کند و دلیل را با دلیل پاسخ داده و به دیدگاه دیگران احترام گذاشته و به آرامی و فروتنی در وقت مطرح شدن آن ساکت می باشد؛ اما آن چه سبب خشم آنان گردیده است، موفقیت دعوت او و درخشش آن در سطح جهانی و توانایی بالای او در شناخت کتاب های مسیحیت و بودیزم و آگاهی از حقایق فرسوده و باطل این کتاب ها می باشد؛ ایشان با آگاهی وافر و اطلاعات دقیقی که دارند، به راحتی می توانند، مشکلات و نادرستی باورهای مسیحیت و بودیزم را برملا سازند؛ لذا مسیحی ها و بودائی ها تلاش می کنند با اتهامات واهی و دروغین جلو فعالیت های خدایپسندانه ی دکتور ذاکر نایک را بگیرند؛ البته هرگز به آرزوی شان نخواهند رسید.



رهبری مسلمانان؛ نخبه‌گان دروغین یا برگزیده‌گان راستین

از جمله سنت‌ها و قوانین خداوند متعال در خلقت بندگان این است که درجات برخی را نسبت به برخی دیگر متفاوت قرار داده است؛ لذا بندگان از نظر خواسته‌ها و توقعات با هم یکسان نیستند؛ چنان‌که هدف برخی رسیدن به هدفی کوچک است و کسانی هستند که رسیدن به مقاصد و مناصب عالی را در سر می‌پرورانند و یقیناً این امر از جمله نشانه‌های بزرگ خداوند عزیز در تسخیر و اداره این هستی پهن‌اور به حساب می‌آید، طوری که خود می‌فرماید: {أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ} (آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می‌کنند او کلید رسالت را به هر کس که بخواهند می‌سپارند؟). این مائیم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم. و برخی را بر برخی دیگر برتری‌هایی داده ایم، تا بعضی از آنان بعضی دیگر را به کار گیرند او به یکدیگر خدمت کنند. و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می‌کنند بهتر است [که نبوت است و نبوت از همه مقامات برتر است].» [زخرف: ۳۲]

بلی!

این نیز از سنت‌های الهی در میان بندگان اوست که تعدادی از آنان را بر می‌گزینند تا سیر حیات را رهبری کرده و عموم مردم را رهبری کنند.

این افراد کسانی هستند که القاب زیادی بر آنها اطلاق می‌شود، گاهی به آنان بزرگان قوم گفته می‌شود و گاهی برگزیده‌گان، برخی آنان را به نام اهل حل و عقد می‌شناسند و بعضی هم اولو الامر.

علاوه بر اینها اما، مصطلحی که امروزه در میان مسلمانان از همه شیوع بیشتری یافته و برخی را فریفته‌ی خود کرده است، کلمه‌ی نخبه است. مثل نخبه‌گان سیاسی یا اقتصادی یا علمی و... که بعضی‌ها گمان می‌کنند وارثین اصلی زمین و اربابان و رهبران اصلی مردم فقط همینها هستند و بس! ولی آن‌گاه که به صفات و کارکردهای چنین افرادی که در حال حاضر بر گرده‌ی مسلمانان سوارند، نظری بیندازیم، در میابیم که اینها نه تنها لیاقت رهبری این امت را ندارند بلکه دارای صفاتی اند متضاد با آنچه برای یک رهبر مسلمان تعیین شده است؛ چنان‌که هر کس از این گروه از صفات حمیده‌ی اسلامی و ارزش‌های دینی دورتر باشد، در سطح بالاتری از نخبه‌گی قرار دارد!

لهذا یقیناً هیچ یک از این به اصطلاح نخبه‌گان نمیتوانند آن نسل برگزیده‌ی باشند که برای رهبری امت مورد انتخاب پروردگار عالمیان قرار گرفته‌اند.

حالا این سوال مطرح میشود که برگزیده‌گان الهی برای رهبری این امت چه کسانی میتوانند باشند؟

در پاسخ به این سوال میتوان گفت: آنان افرادی از امت اسلامی اند که در علم به بالاترین درجات و در عبادت به اعلی‌ترین مقامات دست یافته‌اند. کسانی که مسایل مربوط به مسلمان را از بزرگترین تا کوچک‌ترین‌اش به گونه‌ای عمیق درک کرده و برای مشکلات‌اش راهکار ارائه میدهند؛ اینان برگزیده‌گان الهی هستند.

برگزیده‌گان دارای تاریخی پر بار و گران‌بها هستند که به خاطر خدمات‌شان به بنده‌گان و سرزمین‌ها، متمایز از دیگرانند. آنها کسانی اند که برای بیداری امت، حاضر به دادن انواع قربانی‌ها هستند و برای دفع آزار و اذیت از

این امت و رساندن آن به بالاترین سطوح، از هیچ گونه جهد و تلاشی دریغ نمی‌ورزند، آنهم فقط با هدف راضی کردن پرودگار آسمان‌ها و زمین و نه هدفی دیگر.

اما مدعیان نخبه‌گی، تاریخ‌شان مملو است از انواع و اقسام تلاش برای رسیدن به مصالح شخصی. اینان هر کجا سفره‌ای ببینند به سمت آن هجوم می‌برند و به خاطر منافع شخصی‌شان به دنبال هر صدایی له له زنان روان می‌شوند، حتی اگر صاحب این صدا شیطان باشد.

این‌ها به همراه کمونیست کمونیست‌اند و با سکولار سکولاریست، با مسیحی به کلیسا می‌روند و در مقابل اربابان نظام سرمایه‌داری خم و راست می‌شوند. و با وجود همه این‌ها ائتلافی دارند ناگسستنی با تمام این اقشار برضد تمامی ارزش‌های والای اسلامی و اخلاق قرآنی، و تمام هم و غمشان این است که روح اسلام حقیقی بار دیگر در کالبد این امت، دمیده نشود.

اما برگزیده‌گان کسانی اند که اگر مردم در مواقع سختی و بحران به ایشان پناه ببرند، بسوی نجات و راستی رهنمایی‌شان میکنند و در نفوس‌شان بذر اعتماد و شجاعت می‌کارند و راه رشد و امنیت را نشان‌شان می‌دهند.

بله! این برگزیده‌گان اند که امت را از فروپاشی، تفرقه، منازعه، و کینه‌های شیطانی نجات می‌دهند.

ولی اینانی که خود را نخبه خطاب میکنند، کارشان بذر ترس و خوف در دل‌های مردمان است و همیشه برای شکست، صدها و هزاران دروازه باز می‌کنند. همین‌ها اند که برای ایجاد تفرقه و دشمنی در بین ملت، نقشه‌هایی می‌کشند که حتی شیطان نیز انگشت به دهن می‌ماند و از شر این‌ها و نقشه

های شان به خداوند پناه می برد.

این ها کسانی اند که اگر مردم در وقت سختی به سراغ شان بروند، از دیدن شان چیزی جز ترس و وحشت نصیب شان نشده و از شنیدن کلام شان چیزی به غیر از خیالات واهی و از افکارشان جز گمراهی و ضلالت چیز دیگری عاید حال مردم بیچاره نخواهد شد.

اما، برگزیده گان به ارزش ها تمسک جسته و در هر حالتی دین خود را حفاظت می کنند و به آداب و عرف های مسلمانان احترام می گذارند. همه آن ها را به راستگویی در گفتار، زیبایی در مظهر و صداقت در خبر می شناسند.

اما نخبه نمایان فعلی، عبارت اند از چهره هایی رنگین و سوء استفاده گر، دور از تمامی ارزش ها، زمانی که آنها را می بینی به خدا پناه می ببری و هرگاه سخنان و وعده و وعیدهای تکراری و خیالی شان را می شنوی،

آه از نهانت خارج می شود، معروف اند به دروغ گویی و تزویر، با ارزش ها و فضائل اخلاقی مبارزه می کنند و در مقابل، تمام توان شان را برای تقویه ی رذائل به کار می گیرند. برگزیده گان اما، با هر وسیله ای در پی ایجاد الفت و مهربانی در بین مسلمانان اند، همیشه به دنبال مشترکات می گردند، منطق و استدلال را دوست دارند و تامین مصالح مسلمانان حتی در نسل های بعدی - برای شان مهم و حیاتی است.

طرف مقابل اما، همیشه از گفتگو و منطق گریزان است، اینان همیشه به دنبال اختلافات روان اند و همه مشترکات را انکار میکنند. دست به هرکاری میزنند که مصالح عامه مسلمانان را نابود کنند و تضاد ها و اختلافات را در بین نسل های مسلمان نهادینه سازند.

بنابر این: ناچاریم که میان برگزیده گانی که

خداوند انتخاب شان کرده تا پیشوای امت باشند و مدعیان دروغینی که در این ایام زمام امور ما را به دست دارند، فرق قایل شویم. به راستی اگر علمای ربانی این امت، برگزیده گان واقعی برای رهبری آن نیستند، پس چه کسی مستحق این مقام است؟

واقعا اگر اهل فکر و قلم و علم، نخبه گان راستین این امت نیستند، پس چه کسانی خواهند بود؟

باید از خود پرسیم: اگر اهل قرآن مشهود فجرگاهان و صاحبان دعا های مستجاب سحرگاهان، همان هایی که تمام هم و غم شان رساندن دوباره ی این امت به سروری عالم است، همان هایی که در حالت نهان و آشکار از بذل هیچ گونه تلاشی برای رساندن خیر به مردم دریغ نمی ورزند، برگزیده گان و نخبه گان واقعی این امت نیستند، پس نخبه و برگزیده ی واقعی چه کسی خواهد بود؟

ادامه از جواز ۱۳۵۸ تا جواز ۱۳۹۶ خونی

حقیقت این است تا حکومت افغانستان نخواهد هرگز صلح به کشور ما بر نخواهد گشت، حتی بیشتر مردم، دین گریزی، فساد و منفعت پرستی در بدنه ی حکومت را قوی ترین عامل دوام جنگ و نا آرامی در کشور می دانند.

با وصف اینکه قلبهای همه ی ما بخاطر شهدای ۱۰ جواز کابل و زخمیان و متضررین حادثه ی هولناک دیروز خون چکان می باشد، انصاف نخواهد بود اگر از شهدای ۸ و ۱۴ جواز ۱۳۵۸ نیز یادی نداشته باشیم. شهدایی که برخلاف تمام معیارهای قبول شده ی انسانی به دست جلادان رژیم خلقی در داخل زندان پلچرخی قربانی گردیدند. جوانان مخلص و بی پیرایه ای که خود را چون شمع سوزانیدند، تا مردم راه شان را باز یابند و به سر منزل مقصود برسند. آنها به آرزوی ساختن یک افغانستان آباد، آزاد، متمدن و متدین مردانه زیستند و این آرمان ها را چون میراث گران بهایی به نسل های بعدی گذاشتند.

اینک بعد از گذشت نزدیک به چهار دهه، با

وصف فراز و نشیب فراوان و عروج و زوال ها، هنوز هم آرمان های شان زنده است و مخلص ترین فرزندان این مرز و بوم جهت تحقق آرمان های ایشان در صحنه حضور دارند. آرمان های بنیان گزاران نهضت اسلامی در سه نقطه خلاصه می گردید:

یک- سد نمودن مداخلات استعماری از طریق مقابله با احزاب چپی - خاصتاً دسته های خلق و پرچم - و اثبات پوچی نظریه کمونیستی در برابر ملت.

دو- جایگزین ساختن حکومت عدل اسلامی به عوض نظام استبدادی خاندانی (چی در شکل سلطنتی و چه هم در شکل جمهوری آن)، تا نوامیس ملت محفوظ گردیده و ثروت های مردم به ایشان بازگستارده شود.

سه - نشر فهم درست اسلام، مبارزه با جهل و خرافات و رسوا ساختن چهره هایی که بنام دین در خدمت استبداد قرار داشتند.

این بود آرمان های متعالی نسل اول حرکت که بخاطر حصول آن شب و روز تلاش می نمودند و در راه آن از زندان، تبعید، کشته شدن و شهادت باکی نداشتند.

با گذشت سه و نیم دهه از قربانی تاریخی شهدای ۸ و ۱۴ جوا، و تقدیم یک و نیم میلیون شهید دیگر و بجا ماندن دو میلیون بیوه و یتیم، موانع اساسی در راه صلح و ثبات افغانستان و سعادت و خوشبختی مردم، باز هم همان مداخلات بیرونی، فساد حکومتی و جهالت در میان مردم می باشد، که چون مرضی سرطانی جامعه ی ما را به طرف هلاکت به پیش می برد.

جا دارد که ۳۸ سال بعد از شهادت این عزیزان، مردم افغانستان عموماً و نسل های منسوب به جهاد و اسلام گرایی بطور خاص، تلاش پی گیری را بخاطر از بین بردن مثلث شوم جنگ، فساد و عقب مانده گی براه انداخته، از آرمان های شهداء در سرزمین شهداء مردانه پاسداری نمایند و برای صلح و ثبات در کشور خود سعی نموده و نگزارند که خون های دیگری زمین ما را سرخ نموده و جوازهای دیگری جوانان ما را ببلعد.

والله المستعان

تا خوار نگردیم!

نویسنده:

عبدالرحمن عزام

پیش‌درآمد

انسان، آفریده‌ی مطلوب خدا است، او را آفرید تا معیار شرافت و عزت بوده و در نهاد او پدیده‌ی ارزنده‌ی کرامت را به ودیعت نهاد؛ {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ} (ما آدمیزادگان را [با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست، و غیره] گرامی داشته ایم) [اسراء: ۷۰]. و تاج افتخار آفرین خلافت {إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً} (من در زمین جانشینی بیافرینم [تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته ام به اتمام رساند و آن انسان است]). [بقره: ۳۰] را به عنوان رسالتی برای احیا و پاس داری از ارزش‌ها، بر تارک او نهاد تا صدر نشین هر بزم و بالانشین هر انجمنی باشد.

او را آفرید تا آبادی و آبادانی زمین توسط او صورت گیرد؛ {هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا} (است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است [و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است]) [هود: ۶۱]. و سوگند یاد نمود که این موجود را به زیباترین صورت و پسندیده‌ترین هیأت آفریده است؛ {لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ} (ما انسان را [از نظر جسم و روح] در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم) [تین: ۴]. و او را در شمار و ردیف دیگر آفریده‌هایش نه که مقامش را بالاتر و منزلتش را والاتر قلمداد نمود؛ {وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا} (و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده ایم) [اسراء: ۷۰].

و در کنار این کرامت انسانی، برای او کرامتی برتر و شرافتی ارزنده‌تر نیز اهدا نمود. و آن همان کرامت ایمانی اوست. کرامتی که در امتداد کرامت انسانی او قرار دارد و مکمل آن است و ورای آن، کرامت و عزت و شرف و مقام و منزلتی نیست. و غیر آن، جز ذلت و خواری، خفت و بی‌اعتباری،

پستی و فرومایه‌گی چیزی وجود ندارد. و این عزت و کرامت، فقط از آن ایمانداران راستین است و بس؛ {وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ} (عزت و قدرت از آن خدا و فرستاده او و مؤمنان است) [منافقون: ۸]. و فقط در دین متین اسلام می‌توان آن را یافت. و هر کس جز آن راهی برگزید، «که هرگز به منزل نخواهد رسید». چنان‌چه خلیفه‌ی دوم مسلمانان حضرت عمر رضی الله فرمود: «ما قومی فرومایه بودیم که خداوند به وسیله‌ی اسلام، ما را عزت بخشید و هرگاه عزت را در غیر آنچه خدا ما را بدان عزت داده است جستجو نماییم، خداوند ما را ذلیل و خوار خواهد کرد» و در فرازی دیگر: «ما قومی هستیم که خداوند ما را به حرمت اسلام، عزت بخشیده است؛ پس عزتی را ورای اسلام جستجو نخواهیم کرد». [حاکم در مستدرک].

اگر به دقت ورق‌های تاریخ را یک به یک بنگریم، در خواهیم یافت که این نوع عزت و کرامت، ره‌آوردی بود که دین اسلام برای بشر غرق در ذلت با خود به ارمغان آورده و بدیشان ارزش زنده‌گی آموخت. جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه در پیشگاه نجاشی فرمانروای حبشه فرمود: «شاه! ما قبلاً قومی بودیم اهل جاهلیت، بت می‌پرستیدیم و مردار می‌خوردیم؛ مرتکب پلشتی و فواحش می‌شدیم؛ صله‌ی ارحام را قطع می‌کردیم، جوار و پناه داری را خراب می‌نمودیم؛ قوی ضعیف را می‌بلعید، و چنان بودیم، تا این که خداوند از میان ما پیامبری مبعوث فرمود که نسبش را می‌دانیم و به صداقت و امانتداری و عفتش ایمان داریم.

این پیامبر ما را به سوی خدا خواند، که او را یگانه و یکتا بدانیم و او را عبادت کنیم، و آنچه را که خود و پدران ما می‌پرستیدند، کنار بگذاریم و از پرستش سنگ‌ها و بت‌ها دست برداریم. این پیامبر به ما دستور داده است که راستگو باشیم؛ امانت را ادا نماییم؛ صله‌ی رحم و حسن جوار و پرهیز از محارم را بجا آوریم؛ از ریختن خون ناحق دوری جویم؛ و به ما امر

فرموده است: تا از ارتکاب فواحش و اعمال زشت، و گفتن سخن ناروا و گواهی نادرست برحذر باشیم، و از خوردن مال یتیم و تهمت زدن به زنان پاکدامن دوری کنیم. و ما را امر فرموده است: که خدای یکتا و یگانه را بپرستیم، هیچ چیز را شریک او قرار ندهیم و نماز را اقامه کنیم و زکات را پرداخت نماییم و ماه رمضان را روزه بگیریم». [یاران پیامبر، رأفت باشا، ص. ۱۰].

رسالت انسانی، باعته‌ی کرامت ایمانی

کرامت ایمانی انسان مسلمان در گرو رسالت انسانی اوست؛ یعنی هر اندازه او به این رسالت پایبند و در پی برآورده نمودن خواسته‌های آن باشد، به همان اندازه می‌تواند از ارزش‌های آن بهره‌مند شود.

نادیده نباید گرفت که این کرامت به انسان جهت جایگاه جانشینی و گزینش او برای احراز مقام پیام‌رسانی و دعوت، عدالت‌گستری و آزاده‌گی، اهدا و اعطا شده است تا با بالاتر قرار گرفتن ستون ارزش او نسبت به دیگر موجودات و پدیده‌های هستی، بتواند به نمایندگی از خدای جهان، بر زمین او حکمفرمایی نموده و فرمان و حکمش را جاری و ساری سازد.

هدف عمده‌ی رسالت او، در این زمان -که انسانیت با بنده‌گی و سرخمی در آستان بت زمان (تکنولوژی و زندگی ماشینی) سرخم نموده- این است تا دست راه‌گم کرده‌گان راه انسانیت را گرفته و به سر منزل مقصود شان برساند تا نشود در میدانی به پهنای زمین، انسانی در بند اسارت انسان و موجودی دیگر اسیر، و زنده‌گی با همه وسعت و پهنای خود بر او تنگ آید و انسان بجای عدل و داد اسلام، به بیداد و ستم بشرِ هم‌نوع خویش، روی آورده و بدان تن در دهد.

«این درست همان رسالتی است که مسلمانان در فتوحات نخست خویش حامل آن بودند. یکی از مسلمانان در مجلس یزدگرد، پادشاه ایران اینگونه آن را خلاصه نموده فرمود: «الله ما را فرستاده است تا کسی را که بخواهد از

عبادت بندگان به عبادت خدای واحد و از تنگنای دنیا به فراخنای آن و از جور ادیان به عدالت اسلام، در آوریم». [ماذا خسر العالم... امام ندوی، ص. ۴۳۴].

و همین سر خمی انسان در پیشگاه فرآورده های ساخته ی دست خویش است که موجب ذلت و خفت امروزی او شده و سنگ پایان، پیشانی شیشه ی بلورین عمر او را می نوازد و آتش شیطننت یخ وجود کرامت او را ذوب می نماید؛ لذا بر اوست که باری دیگر به خود آید و دست در دست گذارد و با همتی بلند و قوتی سترگ، به مقابله و مبارزه با این دیو زمان و هیولای جهان، دست به گریبان شده و پشت پلشت او را به خاک ذلت برساند. و اگر درین راه، صرف توان و بذل نیرویی کند، او به حتم پیروز از میدان به در خواهد آمد و مدال پیروزی بر گردن و نشان ظفرمندی بر بازو خواهد بست؛ زیرا این جهان مادی و زنده گی بشری را رمز و رازهایی اسرار آمیز است که هر کس - بدون در نظر داشت بینش و منش - بدان دست یافت، پیروزی از آن او خواهد بود. آری، این بود تاج عزت بخشودنی خداوند متعال که در پی بارِ مسؤولیت بر سر انسان مسلمان گذاشته است و بر اوست تا با تلاش و کوشش خویش تا پای جان از این حیثیت و شرافت خویش نگهداری نموده و آن را به هر بهای اندک دنیوی و بضاعت مزجات نفروشد. و این خود انسان است که با کردار نیک خود، بر اصل سازنده و نهاد پاک خویش پایدار می ماند و سعادت، سرافرازی و خوشبختی دو دنیا را از آن خویش می سازد؛ {وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ} (و اما کسانی که [به سبب انجام کارهای نیکو] خوشبخت شده اند [آورد بهشت گشته و] در بهشت جاودانه می مانند، مادام که آسمانها و زمین برپا است) [هود: ۱۰۸] و یا هم با انتخاب مسیری نا همگون با سرشت و فطرت خویش، راه شقاوت را در پیش می گیرد و از شاهراه سعادت و راه مستقیم هدایت به دور شده و در گودال های فراشیب شقاوت سقوط می

نماید؛ {فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ} (و اما آنان که بدحال و بدبیارند در آتش دوزخ جای دارند و در آنجا [در دم و بازدم خود] ناله و فریاد سر می دهند) [هود: ۱۰۶]. و خود را از اوج عزت به قهقرای ذلت می کشاند و از مقام بالای علیین به جایگاه پست سجین، می نشاند، {ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ} (سپس ما او را به میان پست ترین پستان برمی گردانیم) [و از زمره بدترین مردمان می گردانیم] [تین: ۵]

چگونه نگهدار کرامت خویش باشیم؟!

اما؛ درین میان چگونه بتوان حفاظت این ردای عزت را پاس داشت و از کدام راه و به کدام روش در مراقبت آن تلاش کرد؟! نگهداری و پاس داشت این خلعت بستگی به معیار ارزش دهی و ارج گذاری بدان دارد. و هر اندازه که تلاش شود تا خود را با پیراستگی برای آن درخور سازیم؛ می توانیم از آن بهره مند بوده و در راه سربلندی خویش گام برداریم.

هرگز سر از دساتیر آن برنتابیم و به فرامین آن جواب رد ندهیم. و ندای سمعنا و اطعنا همواره زمزمه ی لبان ما باشد تا یاری و مدد الهی به سراغ حال ما شتافته و درین راه ما را همراهی و همیاری نماید.

در کنار این؛ ارتباط مستقیم با الله متعال و دل سپاری به او تعالی نیز درین بین تاثیر عمده را داشته و اصلی استوار و اساسی متین به شمار می رود و هر اندازه انسان خود را با توسل به دستاویزه های الهی، به او نزدیک نماید، به همان اندازه باعث شرف و عزتمندی او شده و کرامت ایمانی او افزون و در تمام عرصه های زندگی پیروز میدان آن خواهد شد.

یکی دیگر از اسباب عمده ی این خواسته، درد ستانی و درمان دهی یا تعامل درست اجتماعی و رعایت آداب و اخلاق توده ای و برخورد شایان با همنوعان، همکیشان و همزیستان است که برای انسان عزت و کرامت به ارمغان آورده و او را نقل مجالس و تاج محافل می گرداند.

این فراز از زندگی پیامبر جالب و گیرا است. او

که در بین مردم به نام محمد امین، طاهر و صادق یاد م شد، بعد از اینکه قرعه ی فال پیامبری به نام او زده شد و سرنوشت نجات بشر در دستان او قرار گرفت، در آوان پیامبری و آنگاه که برای نخستین بار با فرشته ی وحی و ناموس اکبر و رازدار آسمان برخورد نمود، «در حالی که قلبش می تپید از غار برگشت و نزد خدیجه رضی الله عنها آمد و گفت: مرا بیوشانید، مرا بیوشانید. او را پوشانیدند تا آن حالت ترس و هراس از او دور گشت. به خدیجه رضی الله عنها گفت: چه بر سر من آمده، چه می بینم؟ من از خود بیم دارم. سپس ماجرا را باز گفت. خدیجه رضی الله عنها فرمود: «كَلَّا وَاللَّهِ، مَا يُخْزِيكَ اللَّهُ أَبَدًا، إِنَّكَ لَتَصِلُ الرَّحِمَ، وَتَحْمِلُ الْكَلَّ، وَتَكْسِبُ الْمَعْدُومَ، وَتَقْرِي الضَّيْفَ، وَتُعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الْحَقِّ» (هرگز، خداوند تو را خوار نمی گرداند و زبون نخواهد کرد؛ زیرا پای بند صله ی رحم، پذیرای رنج و مشقت، یاری دهنده ی مستمندان، مهمان نواز و مددکار حق و پشتیبان درمانده گان هستی) (بخاری).

[باده ناب (ترجمه الرحیق المختوم، ص. ۱۰۸). لذا بر اوست که با قدم نهادن بر جای پای پیامبر در تمامی عرصه های زنده گی خویش طوری زیست نماید که دید و رأی دیگران نسبت به او خوب و گمان و پندارشان در رابطه به او چنین باشد تا در همه حالات چه در حضور و چه در غیاب او، دیگران به او خوشبین بوده و شخصیت او را ارج نهند. فرجامین سخن: انسان مخلوق برگزیده ی خداوند متعال است که او را با آراستن به زیور کرامت انسانی و ایمانی، تاج دار مقام خلافت و طلایه دار مقام دعوت گردانیده است. بر اوست که با دست آویختن به آموزه های راستین دین قویم اسلام، از این جایگاه و مقام خویش پاس بانی نموده و بدان ارزش قایل شود. تا باشد در دنیا زمامدار رهبری زمین و در آخرت، سایه نشین عرش الهی و سکان دار بهشت برین او شود.

و ماذلک علی الله بعزیز

فانوس ادب

عید سعید فطر بر مسلمین مبارکباد

سرای عمر

مسلمانان سرای عمر، در گیتی دو در دارد
که خاص و عام و نیک و بد بدین هر دو گذر دارد
دو در دارد حیات و مرگ کاندراول و آخر
یکی قفل از قضا دارد، یکی بند از قدر دارد
چو هنگام بقا باشد قضا این قفل بگشاید
چو هنگام فنا آید قدر این بند بردارد
ایا، سرگشته دنیا مشو غره به مهر او
که بس سرکش که اندر گور خشتی زیر سر دارد
تو اندر وقت بخشیدن جهانی مختصر داری
جهان از روی بخشیدن ترا هم مختصر دارد
سنایی

یک رود و صد مسیر همین است زندگی
با مرگ خو بگیر همین است زندگی
تاوان دل بریدن از آغوش کوهسار
دریاست یا کویر همین است زندگی
لبخند و اشک شادی و غم رنج و آرزو
از ما به دل مگیر همین است زندگی
فاضل نظری

دوستان عزیز و دیرینم
همر هان عقیده و دینم
ماه با برکت صیام برفت
در نبودش حزن و غمگینم
دل خوش و شادمان همی باشم
چونکه ایام عید می بینم
از گلستان پر گل این عید
بهر تان دسته دسته گل چینم
هدیه‌ی عید من همین باشد
به عزیزان خوب و شیرینم
عید بر مسلمین مبارک باد
هست این رسم دین و آئینم
ای خدا جمله دل شکستگان دریاب!
این بود هم دعا و آمینم
عزت مسلمین بروی زمین
زود باشد به چشم خود بینم
دوستی با «عزیز» و همدم راز
این بود عز و جاه و تمکینم
محمد عزیز (عزیزی)

ده کاجستان

جوانی

جوانی چنین گفت روزی به پیر؛
که چون است با پیریت زندگانی
بگفت اندرین نامه حرفی ست مبهم؛
که معنیش جز وقت پیری ندانی
تو به کز توانایی خویش گوئی؛
چه میپرسی از دوره ناتوانی
جوانی نکو دار کاین مرغ زیبا؛
نماند در این خانه استخوانی
متاعی که رایگان دادم از کف؛
تو گر میتوانی مده رایگانی
هران سرگرانی که من کردم؛
اول جهان کرد از آن بیشتر سرگرانی
چو سرمایه ام سوخت از کار ماندم
که بازی است بی مایه بازارگانی
ازان برد گنج مرا دزد گیتی؛
که در خواب بودم گه پاسبانی
پروین اعتصامی

در کنار خطوط سیم پیام
خارج از ده دو کاج روئیدند
سالیان دراز رهگذران
آن دو را چون دو دوست میدیدند
روزی از روزهای پائیزی
زیر رگبار و تازیانه باد
یکی از کاج ها به خود لرزید
خم شد و روی دیگری افتاد
گفت ای آشنا ببخش مرا
خوب در حال من تأمل کن
ریشه هایم ز خاک بیرون است
چند روزی مرا تحمل کن
کاج همسایه گفت با نرمی
دوستی را نمی برم از یاد
شاید این اتفاق هم روزی
ناگهان از برای من افتاد
مهربانی بگوش باد رسید
باد آرام شد، ملایم شد
کاج آسیب دیده ی ما هم
کم کمک پا گرفت و سالم شد
میوه ی کاج ها فرو می ریخت
دانه ها ریشه می زدند آسان
ابر باران رساند و چندی بعد
ده ما نام یافت کاجستان
محمد جواد محبت

مقدمه

کشور ما خراسان قدیم یا افغانستان امروز، دشوارترین شرایط را در دوره ی معاصر خود سپری کرده و این سختی ها همچنان ادامه دارد. حضور استعمار پیر (انگلیس) در شبه قاره و تجاوز آن بر سرزمین ما، تجاوز روسیه تبهکار در دهه های گذشته ی نزدیک و تجاوز قدرتهای کنونی و حضور آنان در کشور ما، زمینه ی بدبختی مردم این سرزمین را در طول تاریخ معاصر فراهم آورده است. عقب مانعی علمی و اجتماعی، تخریب بنیادهای اقتصادی، عدم استقلال سیاسی و اموری از این قبیل، محصول همین تجاوزات بوده است. برعلاوه در طول این دوران، هزاران انسان بی گناه به خاک و خون کشیده شدند و هزاران جنایت تاریخی انجام یافته است.

مقایسه ی کلی تاریخ معاصر کشور ما می رساند که اوج فاجعه در دوره ی کنونی جریان دارد و ملت مظلوم ما به سخت ترین حالتی گرفتار است؛ چه به خاطر اهداف نامعلومی روزانه ده ها تن از این ملت پابرهنه قربانی می گردند و گوشه گوشه ی این سرزمین به خاک و خون کشیده می شود. مطالعه ی شرایط کنونی کشور ما می رساند که هرچند حضور نیروهای خارجی و غیرمؤمن از بزرگترین اسباب تشتت اوضاع این سرزمین و مایه ی شقاوت مردم آن است، اما استکبار جهانی، وسایلی را در دست داشته تا به اهداف دراز مدت خود نایل آمده و همچنان از این وسایل و اسباب، به نفع خود استفاده می برد. همین اسباب و وسایل داخلی موجود در میان اقشار ملت ما و به ویژه در میان دولت مردان این سرزمین، باعث شده تا بدبختی های متنوعی شکل گیرد و کشور و ملت ما برای همیشه مورد دستبرد نیروهای بیگانه قرار گیرد و بدون گناه به خاک و خون کشیده شوند.

به طور کلی، علت همه این

بدبختی ها و بیداد و ستم، مثلث شومی است که بر پهنه ی سرزمین ما سایه افکنده و از دیر باز تا کنون باعث این همه شقاوت و تباهی شده است. در این مقاله برآنیم تا اضلاع این مثلث شوم به گونه ی کوتاه به معرفی گرفته شود. اما تفصیل مطالب را واقعیتهای تاریخی آیین داری خواهند کرد.

عصبیت قومی یا جاهلیت پیر

عصبیت جاهلی یا قوم گرایی از پدیده های شوم تاریخ بشریت است که در گذار زمان وجود داشته و بیداد کرده است. یکی از مواردی که اسلام عزیز در هنگام ظهور خود با آن رو به رو بود و شدیداً با آن مبارزه کرد، همین پدیده خطرناک بود. قرآن کریم به این واقعیت جامعه ی جاهلی اشاره کرده و تأثیر گذاری خود برای اصلاح جامعه در این زمینه را بیان داشته است:

{... وَادْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...} (آل عمران: ۱۰۳) (... نعمت الله متعال را بر خویشان یاد آورید، آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و [الله] میان دلهای شما الفت آورد و به اثر نعمت وی برادر یکدیگر شدید...).

عصبیت قومی در دوره ی معاصر کشور ما حضور نامبارک داشته و ضمن زمینه سازی ستم بر اقشار ملت ما، بدبختی های زیادی را بر مردم و سرزمین ما تحمیل کرده است. همین عصبیت قومی و جاهلی بوده که برای تحقق قدرت سیاسی و استبداد قشر خاص بر دیگران، حتی در گذشته ی نه چندان دور، برخی سرزمین های این خاک را به دشمن واگذار نمودند. همین عصبیت قومی و قدرت طلبی ها بوده که زمینه ی سازش و هم پیمانی با شاخه های استکبار جهانی را مساعد ساخته است. شماری از همین وابستگان عصبیت های قومی، حاضر شدند به خاطر تأمین منافع شخصی و گروهی و به منظور شکست دادن رقیبان سیاسی خود،

برادران اهل ایمان شان را رها سازند و با دشمنان اسلام و دشمنان اهل ایمان هم پیمان شوند؛ و بدین ترتیب زمینه ساز نفوذ استکبار جهانی در سرزمین و منطقه شدند. اینان با چنین اعمالی که مستلزم موالات با کفار است، مشروعیت نظام سیاسی کشور را زیر سؤال بردند و در تشدید جنگ های بی مفهوم سهم بارز دارند.

عصبیت های قومی از هر طیف و گروهی، از دیر باز، باعث نابسامانی هایی در دوره ی جهاد و بعد از آن در دوره ی حکومت مجاهدان گردید؛ چنان که حتی حاکمیت و دولت نوپا، غیر وابسته و مستقل مجاهدین را از پا در آورد و زمینه ساز تعرض و تجاوز نیروهای استکباری در کشور و منطقه گردید. هواداران این طرز تفکر شوم، خویشان و گروه شان را بر مبنای قوم گرایی بر دیگران ترجیح می دهند و حتی قومیت های دیگر را عار و ننگ می پندارند؛ غافل از آنکه چنین طرز فکری از رسوم جاهلیت نابکار است. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم برای عزیزترین یاران خود که چنین ملاحظه یی را در برخورد با کسی دیگر از اصحاب اعمال داشته بود، فرمودند: «...إِنَّكَ أَمْرٌ فِیکَ جَاهِلِيَّةٌ» (بخاری، حدیث: ۳۰) (تو شخصی هستی که در تو [رسوم] جاهلیت وجود دارد).

همین عصبیت های قومی در بسا موارد باعث بروز حادثات ناگواری در جامعه ی ما شده است؛ چنان که باعث شهادت تعداد زیادی از جوانان و افراد مؤمن سرزمین ما شده است. عاملان چنین حوادث ناگوار از تعالیم کتاب و سنت به دور مانده اند. اینان از سرچشمه ی زلال نبوت مهجور گردیدند که فرموده است: «...وَمَنْ قَتَلَ تَحْتَ رَأْيِهِ عَمِيَّةٍ، يَغْضَبُ لِلْعَصَبَةِ، وَيَقَاتِلُ لِلْعَصَبَةِ، فَلَيْسَ مِنْ أُمَّتِي...» (صحیح مسلم، حدیث: ۱۸۴۸) (هر که در زیر پرچم کورکورانه ی [عصبیت] کشته شود؛ به خاطر

قومگرایی به خشم آید و به جنگ پردازد، از امت من نیست).

امروز هم هستند کسانی که با شعار قومیت گرایی به نان و نوالی رسیده اند و قدرت و مکنتی به دست آورده اند و از همین منهج و روش نامبارک بر گرده ی مردم سوار اند و شماری هم ناآگاهانه و نابخردانه در تحت چنین بیرق نامطلوبی، حتی به جنگ و برادر کشی می پردازند و سرانجام به قتل جاهلی زندگی خود را اختتام می بخشند. در شأن همین افراد و گروه هاست که پیامبر بزرگوار اسلام فرموده است: «...وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عِمِّيَّةٍ يَغْضَبُ لِعَصْبَةٍ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً، فَقَتِلَ، فَقَتِلَهُ جَاهِلِيَّةٌ...» (مسلم، حدیث: ۱۸۴۸) (و هر که زیر بیرق کورکورانه جنگ کند، به خاطر عصبیت به خشم آید یا به سوی عصبیت فراخواند یا از روی عصبیت یاری کند، پس کشته شود، این کشته شدنش مردن جاهلی است...).

مبارزات سیاسی در کشور ما در موارد متعدد متأثر از همین اندیشه ی عصبیت قومی بوده و باعث شده تا معادلات سیاسی را با جعل و تزویر به هم زند و فرد یا گروهی را بدون شایستگی بر شانه ی مردم سوار نماید.

بیشتر بی ثباتی های سیاسی کشور ما محصول همین عصبیت هاست که ریشه در جاهلیت قوم گرایی دارد. تغییر مواد قانون اساسی و سایر قوانین در جهت تأمین منافع عصبیت قومی خاص، تغییر جهت سمت انتخاباتها در تعیین نمایندگان مجلس، تغییر جهت در تعیین زعامت سیاسی کشور، حتی جعل و تزویر در نحوه ی برگزاری انتخابات، همه محصول همین عصبیت منفور و نامطلوبی است که کیان امت اسلامی را ضربه زده و آن را به فرقه های عصبیت محور، متشتت ساخته است. ایجاد شوراهای قومی و نهادهایی که بر محور قومیت تشکل یافته اند، جزئی از همین عصبیت قومی اند که اقوام و ملیت های گوناگون را در تقابل یکدیگر قرار داده و زمینه ی سوء استفاده ی اشخاص و گروه های استفاده جو را فراهم

می سازد.

تجبر در برداشت های دینی

عامل دیگر تباهی آور در کشور ما و حتی در همه جهان اسلام، تجبر در برداشت های دینی است. این بدان معناست که فرد یا گروهی، یا با برداشت های قشری، یا با تحریف اساسات دین و یا با تأویل جاهلانه ی نصوص شرعی به انتحال و ابطال احکام شرعی پردازد و برخلاف امت اسلامی، بدون دلیل قاطع به تکفیر و تفسیق و به قتل و کشتار آحاد و یا جماعات اسلامی اقدام کند. اینها با برداشت های شخصی خود، منفردانه حکم صادر می کنند و منفردانه به اجرای آن می پردازند و بدین طریق، نه تنها عاید مطلوبی را برای دین و امت اسلامی به ارمغان ندارند؛ بلکه باعث بدنامی اسلام و تشتت امت اسلامی می گردند و نتیجه ی عمل آنان تنگ شدن محدوده ها و زمینه ها برای امت و جماعات اسلامی در گوشه و کنار دنیاست. این گروه از جمله کسانی اند که عملکردشان در حدیث نبوی، به عنوان های «تحریف الغالین»، «انتحال المبطلین» و «تأویل الجاهلین» نامیده شده وظیفه ی دانشمندان امت است که خرافات و تأویلات فاسدشان را از چهره ی دین بزایند. آنجا که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ مِنْ كُلِّ خَلْفٍ عُدْوَلُهُ، يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ، وَأَنْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ، وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ». (شرح مشکل الآثار للطحاوی، حدیث: ۳۸۸۴) (این علم را از هر خلفی همانندش برمی دارد؛ طوری که تحریف غلوکنندگان، انحال باطل کاران و تأویل نادانان را از آن دفع و نفی می نمایند).

اینان با چنین اعمال خود می پندارند که کارهای نیکو می کنند و خدماتی را برای اسلام و جامعه ی اسلامی انجام می دهند؛ حال آن که اعمال آنان جز وبال دنیا و آخرت چیزی را به ارمغان نمی آورد و هیچ فایده یی بر آن مرتب نیست. قرآن کریم در شأن چنین افراد و گروه هایی می فرماید:

{قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ

سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا}. (الکہف: ۱۰۳ - ۱۰۴) (بگو آیا شما را به خساره مندترین اشخاص از نگاه اعمال خبر ندهم؟ آنان که کوشش شان در زندگی دنیا بیهوده گردیده و ایشان می پندارند که نیکوکرداراند).

اینان اشخاص و گروه هایی اند که خواسته ها و اندیشه های شخصی و تراوش های فکری برخاسته از محیط و قبیله ی شان را عنوان دین می دهند و بر آنند تا بر مردم تحمیل نمایند. از همین رو اهل دانش و تحقیق توصیه کرده اند تا دانش و دین از اسلاف صالح و اخلاف صادق آموزش یابد؛ نه از کسانی که همچنین نظرات شاذ و بی اساس را با تفردجویی بر دیگران تحمیل کنند و با تجبر بر آرای شخصی خود پافشاری نمایند.

(شرح مشکل الآثار للطحاوی: ج ۱۰، ص ۱۷).
تجبر در برداشت های دینی باعث شده تا مشتی یاوه سرای مخالف دین، همه عملکرد چنین افراد و گروه هایی را به نام اسلام پیوند دهند و این دین پاک و کامل را در انظار جهانیان و کسان بی خبر از دستورهای این آیین نجات بخش، دین وحشت و اختناق معرفی کنند و تخم نفرت را در دل بی خبران کشت نمایند. تکفیر و تفسیق بدون موجب اهل ایمان، جواز قتل و حلال شمردن کشتار مسلمانان بدون دلیل قاطع، از دست آوردهای منحوس این اشخاص و گروه ها در طول تاریخ بوده و هم اکنون در کشور ما نیز مشاهده می شود. اینان یکی از مصادیق این فرموده ی پیامبر بزرگوار اسلام اند که فرموده اند: «...وَمَنْ خَرَجَ مِنْ أُمَّتِي عَلَى أُمَّتِي، يَضْرِبُ بَرَّهَا وَقَاجِرَهَا، لَا يَتَحَاشَ مِنْ مُؤْمِنِهَا، وَلَا يَفِي بِذِي عَهْدِهَا، فَلَيْسَ مِنِّي». (صحیح مسلم، حدیث: ۱۸۴۸) (... هر که از جمله ی امت من بر امت من خروج نماید؛ طوری که نیکوکار و بدکارش را بزند و از مؤمنان امت نیز دوری نجوید، و عهد صاحب عهد را نیز وفا نکند، از جمله ی [امت] من نیست).

همین تحجر در برداشت ها، هنگامی که با عصبیت منحوس قومی یکجا می شود، داشته های عنعنوی یک شخص یا گروه را تقدس می بخشد؛ به نحوی که صاحبش آن را جزئی از دین می داند و دیگران را مجبور به پذیرش آن می شمارد. دیده شده که گاهی این رسوم و عنعنات قبیله وی در نزد تعدادی از افراد و گروه ها، جایگاه بالاتر از احکام شریعت الهی را پیدا کرده و به خاطر آن امور، حتی جنگ ها به راه افتاده و خون هایی ریخته شده است. همچنان است که گاهی مستحبی از مستحبات به اساس سلیقه ی منطقوی و یا عاداتی عنعنوی، از واجبات و فرایض دینی مهمتر دانسته شده و به خاطر آن جنگها بر پا شده و خون ها ریخته شده است.

سکولاریزم دین مدارانه یا نفاق معاصر

ضلع دیگر تباهی آور در کشور و سرزمین ما از دیر باز، سکولاریزم یا دین گریزی در حوزه ی زنده گی و حیات سیاسی است. سکولاریزم در دو گونه ی فلسفی و سیاسی خود باعث مفسده های عظیمی در این سرزمین شده است.

با وقوع کودتای خونین سال ۱۳۵۷ و تسلط حزب خلق و پرچم، تطبیق سکولاریزم فلسفی نوع شرقی آن بر پایه ی اندیشه ی بی اساس «دین افیون ملت هاست» در کشور ما آغاز یافت. در آن دوران دست اندرکاران رژیم، نه تنها به دور ساختن دین از حوزه ی حیات باور داشتند و این کار را عملی نمودند، بلکه با دین و دینداران در حوزه ی عبادات نیز سرستیز را در پیش گرفتند. آنان دین را مایه پسمانی می شمردند و هزاران فرد بی گناه را به جرم دینداری زنده به گور کردند که کشف گورهای دستجمعی در کنار و گوشه ی این سرزمین، دلیل این مدعاست.

بعد از اینکه با سقوط رژیم کمونیستی، حکومت مجاهدین و دولت اسلامی بدون وابستگی تأسیس شد، استکبار جهانی و همسایه های مغرض

نتوانستند این دولت نوپا و امیدبخش را تحمل نمایند، لذا در صدد تخریب پایه های آن برآمدند و با تحریک و استخدام دو ضلع نخستین مثلث شوم تباهی (عصبیت جاهلی و تحجر در برداشت های دینی) جبهاتی را تأسیس کردند و در ظرف چند سال جنگ، به تخریب حاکمیت اسلامی مجاهدان پرداختند و سرانجام زمینه را برای پدید آمدن نظامی بی بند و بار و وابسته و نوکر، مساعد ساختند.

با وجود این همه تخریبات استکبار جهانی، حضور نیروها و افراد مؤمن در مجامع تصمیم گیری های سیاسی نظام کنونی، باعث شد که وابستگان استکبار و مزدوران تربیت یافته در غرب، نتوانند نظام سیاسی کشور را در بُعد تقنین و از نگاه نام و نشان، سکولاری اعلام نمایند، بلکه بیشتر مواد تقنین آن با شریعت اسلامی در تطابق قرار دارد. اما در ظرف سال های گذشته و هم اکنون، تعداد زیادی از خودفروخته گان سکولار مشرب در نهادهای حساس دولت داری جا به جا شده اند و برای سکولاریزه کردن نهادهای حکومتی و ترویج اندیشه های پوچ سکولاریزم تپ و تلاش می کنند. اینان بر آن اند تا تفکر سیاست دینی را از ذهن و ضمیر جوانان و تحصیل کرده گان کشور دور سازند و جامعه را به سوی اندیشه های سکولاریستی سوق بدهند. بر آن اند تا برای قشر جدید و کم مطالعه بقبولانند که اسلام نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی کامل و جامعی ندارد که بتواند پاسخگوی نیازهای بشریت کنونی باشد. اینان مصداق همان فرموده ی الله متعال اند که فرموده است: {يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ}. (التوبه: ۳۲) (اراده دارند که نور الله را با سخن های شان خاموش سازند، و الله متعال نمی پذیرد مگر اینکه نور خود را کامل سازد، اگر چه کافران را ناخوشایند باشد).

تحجر در برداشت های گروهی که پیشتر از آنان سخن رفت، سکولاریپیشگان را کمک

بسزایی کرد و آنان بر آن بودند تا بعد از برداشته شدن حاکمیت آن گروه متحجر، نظام سیاسی را به سوی سکولاریزم قطعی سوق دهند. خود نگارنده در هنگام تجاوز نیروهای امریکایی و تغییر رژیم، از زبان یکی از سردمداران سکولاریزم شنیدم که در یک میز گرد می گفت، اکنون زمان آن فرا رسیده تا کشور ما با حکومت دینی وداع گوید و مسیر حاکمیت سکولار را بپیماید. اما سنجش این مشّت گمراه و بی ایمان، غلط از آب در آمد و متوجه شدند که امت اسلامی در این سرزمین هنوز بیدار است و نمی تواند چنین نظام منحط دور از چشمه سار وحی و شریعت الهی را تحمل کند. بنابراین نتوانستند در ساحه ی تقنین و سکولاریزه ساختن نظام، کار مؤثری را انجام دهند و حالا بر آن اند تا از دو طریق دیگر به نهادینه ساختن سکولاریزم در سرزمین خورشید موفقیت به دست آورند:

یکی از راه سپردن وظایف مهم و کلیدی به افرادی سکولار یا سکولار مشربی که خود فروخته اند و برای دور ساختن عملی نظام از قوانین نجات بخش اسلام تلاش می نمایند. اینان می کوشند تا در حوزه های مدنی و اجتماعی، مردم و مراجعه کنندگان را عملاً از حیطه ی فقه اسلامی و تشریع الهی به دور نگاه دارند و بعید سازند.

دو دیگر از طریق پخش و نشر اندیشه های سکولارستی از طریق رسانه های صوتی تصویری و رسانه های نوشتاری؛ چون روزنامه ها و مجلات وسایت ها و صفحات مجازی در انترنت. اینان با استخدام افراد و نهادهایی به شکل مرموز و غیر مستقیم، بر آن اند تا با ایجاد شک و شبهه، به تخریب اندیشه های دینی پردازند و اندیشه های سکولاریستی را به جوانان و نوجوانان تزریق نمایند. باز کردن صفحات مجازی به نامهای مستعار و پخش اندیشه های الحادی و ضد اسلامی در آن صفحات، جزء فعالیت های مشهود این گروه است.

خطرناک ترین فعالیت سکولاریزم در کشور

ما و همه جهان اسلام، ترویج سکولاریزم سیاسی، توسط تعدادی از زنادقه‌ی معاصر است که تحت عنوان متخصص دینی فعالیت می‌نمایند. با تأسف شاهدهیم که عده‌یی از تحصیل‌کردگان خودفروخته‌ی فارغ از نهادهای دینی ما، بعد از اینکه به کشورهای استکباری سفر کردند و از آن طریق توانستند به جایگاه و پایگاهی دست یابند و به نان و نوالی دست یابند، دین را به بهای اندک و حطام دنیوی سودا کردند و هم اکنون از طریق رسانه‌های گوناگون به شکل مرموز، غیر مستقیم و با دروغگویی تمام در صدد تخریب و ناقص جلوه دادن اسلام از پاسخ‌گویی به نیازهای بشریت معاصراند. اینان ترفندهای گوناگونی را دنبال می‌کنند.

یکی از ترفندهای آنان این است که بر بسیاری از نظریات اندیشمندان و اهل تحقیق امت اسلامی از گذشته تا حال، که خود سالهای تمام ریزه خوار سفره‌ی شان بودند، خط بطلان می‌کشند و دین الهی را عاری از نظام زنده‌گی معرفی می‌نمایند. صاحبان فکر نهضت‌های اسلامی را خطاکار فکری معرفی می‌دارند و حتی می‌کوشند آثار علمی گران‌بهای شان را مخدوش سازند. ترفند دیگر آنان طوری است که در هنگام بروز مشکلات در جامعه‌ی اسلامی، به عوض رجوع به فقه بربر اسلامی، دعوت می‌کنند تا «از آموزه‌های عارفان مسلمان در تربیت دینی بهره بگیریم». درست است که آموزه‌های عارفان مسلمان در جایگاه خود قابل استفاده‌اند؛ اما اینان از طرح چنین نظری هدف دیگر دارند. اینان می‌خواهند با طرح دعوت به آموزه‌های عارفان مسلمان، جامعه را از فقه بربر اسلامی و جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن بی‌بهره و غافل بدارند؛ زیرا آموزه‌های عرفاء بیشتر جنبه‌ی درونگرایی و شخصی دارند و به نحوی از حوزه‌ی حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به دوراند.

سکولار مشربان امروز از تشریع فقه اسلامی سخت در هراس‌اند؛ چون فقه اسلامی

برگرفته از کتاب و سنت نبوی است و خطوط قرمزی دارد که نظریات سکولاری این زندیقان معاصر را نقش بر آب می‌گرداند. از همین است که به عوض تمسک کتاب و سنت و مراجعه به فقه اسلامی، جامعه را به سوی سوغات‌های غربی فرا می‌خوانند تا در برابر ارزشهای اسلامی، بی‌تفاوت و بی‌باک بار بیایند و تأکید می‌کنند که باید «ارزش‌های مدارا، تساهل و تسامح، کثرتگرایی و دیگرپذیری به خطوط قرمزی تبدیل شوند که نه منابر، نه رسانه‌ها، نه نشریات، نه مدارس، نه مکاتب، و نه دانشگاه‌ها حق تخطی از آنها را داشته باشند»^(۱). آنان با چنین طرح و با شعار دموکراسی و آزادی بیان دروغین‌شان، می‌خواهند حتی در پیش‌روی مراکز فکری و طرح‌اندیشه، چون مدارس و دانشگاه‌ها و منابر، سد ایجاد نمایند و همه را به کام باداران استکبار خود فروبرند.

به همین گونه اینان تلاش دارند، جامعه‌ی اسلامی را از تفکر به منافع امت اسلامی دور سازند و به سوی «منافع ملی» دعوت می‌کنند تا امت اسلامی با شعار «منافع ملی» متشتت و پراکنده شود و به سوی آینده‌ی تاریک رهسپار باشد. این در حالی است که امت اسلامی در نصوص دینی و الهی ما، همچون جسد واحد دانسته شده که تمام اعضای آن باید درد مشترک و حس مشترک داشته باشند.

تعدادی از این سکولار مشربان دیندارنما، چنان گستاخ‌اند که تزندق‌شان از زیر پرده‌ی نفاق بر می‌جهد و نمایان می‌شود و به خطوط قرمز امت اسلامی تجاوز می‌کنند؛ چنانچه:

– بر آیات قرآن کریم با عقل قاصر خود تأویلات فاسدی روا می‌دارند و مدلول آیات الهی را پیش از تأیید عقلانیت سخیف خود پذیرانیستند؛

– بر منابع مورد اعتماد کافه‌ی امت اسلامی، همچون صحیح البخاری و صحیح مسلم خرده می‌گیرند و تحت عنوان فریبنده‌ی نقد، زبان طعن می‌گشایند؛

– بر واجبات دینی خرده می‌گیرند و با زیر سؤال بردن سفر به سوی حج و ادای وجیبه‌ی قربانی، این شعار بزرگ را به دلیل وجود مساکین و فقراء، بیهوده تلقی می‌نمایند.

– برخلاف آموزه‌های عقیدتی امام ابوحنیفه رحمه الله، کاربرد قیاس در احکام عملی مذهب امام ابوحنیفه را به حوزه‌ی عقاید می‌کشانند و خبر واحد را در حوزه‌ی عقیده بی‌اعتبار می‌دانند، تا از این طریق به تضلیل امت اسلامی به ویژه نوجوانان در حوزه‌ی عقیده بپردازند؛ حال آنکه در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله، قیاس در حوزه‌ی عقیده کاربرد نداشته و خبر واحد صحیح، مثبت پاره‌ی قابل اعتنایی از امور عقیدتی است.

طرفداران سکولاریزم سیاسی، در حقیقت به کامل بودن شریعت الهی عقیده ندارند، اما با منافقت می‌خواهند این طرز فکر خود را پوشیده نگه دارند و به این طریق، جامعه‌ی اسلامی را با افکار دروغین خود مسموم سازند و به دین خدا تهمت‌های ناروا بر بندند. اینان با خبث باطنی که دارند، به شکل مرموز و غیر مستقیم از کمال شریعت الهی انکار دارند و آن را برای حیات بشر کافی نمی‌دانند. اینان ادعا می‌کنند که اسلام نظام مدونی برای تنظیم امور سیاسی جوامع انسانی ندارد.

نتیجه سخن

با آنچه گفته آمدیم به این نتیجه دست می‌یابیم که سه عنصر نامطلوب: «عصبیت قومی»، «تحجر در برداشت‌های دینی» و «سکولاریزم دین‌مدارانه» باعث تباهی کشور ما در دوره‌ی معاصر شده و شرایط سخت و دشوار سرزمین ما محصول تقابل این سه عنصر تبه‌کار بوده است.

این هر سه عنصر، گاهی یکی ترویج دیگری را یا کمک کرده و یا باعث تشدید و توجیه آن در جامعه‌ی اسلامی ما و حتی در کل جهان اسلام شده است. عصبیت قومی زمینه ساز بی‌بند و باری‌هایی شده و حتی عنعنات پوچ و بی‌اساس

قبیلوی را به عنوان دین و حکم شرعی بر مردم تحمیل نموده و بدین طریق زمینه ی تنفر افراد جاهل از دین و منابع دینی را مهیا ساخته است.

تحجر در برداشت های دینی همچنان که اساس دینی و الهی ندارد، راه انتقاد و یاهو سرایی دشمنان اسلام را هموار ساخته و زمینه ساز هجوم استکبار بر سرزمین های اسلامی شده است.

ترویج اندیشه های سکولاری در سرزمین های اسلامی و به ویژه کشور ما و تشدید این ترویج ها توسط حلقات نزدیک به دولت مردان سرزمین ما، باعث نابهنجاری فکری و

تقنینی در میان جامعه شده، بحران اعتماد را پدید آورده است و مشروعیت نظام را زیر سؤال برده است. طرح نظریات سکولاریستی توسط زندیقان به ظاهر دین مدار، خطری است که متوجه امت اسلامی در سرزمین ما شده و مسیر نامطلوبی را طی می کند که هم دولت مردان از آن زیانمند خواهند شد، هم رعایای مؤمن و جوانان این سرزمین. لذا بر دولت مردان ماست که جلو تزندق دین مآبانه ی این طیف نفاق معاصر را بگیرند تا جامعه به سوی تشتت و تباهی رهسپار نشود. همچنان بر اهل علم و نهادهای دعوت و اصلاح لازم است، برای معرفی برنامه های شوم و افکار

پوسیده ی این زندیقان مسلمان نما با وحدت کامل بکوشند و طرح های مزدورانه ی آنان را نقش بر آب سازند.

رویکرد:
(۱). این جملات از صفحه ی اجتماعی فیس بوک یکی از ارگ نشینان برگرفته شده است.

منابع و سرچشمه ها

۱. قرآن کریم.

۲. صحیح البخاری.

۳. شرح مشکل الآثار.

۴. صحیح مسلم

محمد مارك تا آغوش اسلام

منبع: کتاب مشاهیر دنیا در سفر به سوی ایمان

برگردان: بسم الله احمدي

قرآن او را جذب خود نموده و بر او اثر گذاشت، مانند نوری که در وجودش تابیده باشد، وجودش را منور ساخت. برایش پیش نهاد شد که در کشور عربی سعودی کار نماید، لذا او به آنجا رفت، او را به اسلام رساند رساندن به یکدلی و یک رنگی نه بیشتر از آن، و در آنجا شروع به سوال، مناقشه، سخن گفتن و فهمیدن نمود. یقینش زیاد شد که همانا اسلام همان گم شده اش است، این آئین، آئینی است که در نفس مؤمن آرامش و سلامتی بر می انگیزد، و درک معنای زندگی و وجود را در دل انسان مؤمن به ارمغان می آورد. او به تمام پرسش های پریشان کننده اش جواب یافت. برای چه آفریده شده است؟ و برای چه هدفی در مسیر زندگی قدم می زند؟ و سرمایه و ثروت واقعی در کجاست؟ اوقات فراغتش را در مناقشه با دوستان مسلمانانش می گذراند، توسط ایشان با اسلام آشنا شده و دین اسلام را از ایشان فرا می گرفت، و در دریای بیکران اسلام سیر می نمود، و در باره اش تامل می نمود. سر انجام به سرگردانی هایش خاتمه داد و هدایت شد. هدایت به سوی الله... نه، چنانچه که خودش می گوید: من به سوی دین فطرت برگشتم.

جواب سوالات سرگردان کننده اش را در این مذهب یافته و به حیرانی هایش خاتمه خواهد داد. ولی بعد از اندکی متوجه شد که این قوم بهشت و بخشش را به مال می فروشند. باز از نو دچار دستخوش آشفتگی ذهنی شد. و سرانجام یأس و ناامیدی به سراغش آمد و در باتلاق از انکار موجودات در این جهان هستی فرو رفت. براین باور شد که آفرینش وی در این زندگی بدون هدف و انتهاست. مانند بسیاری از افراد که جسدی دارند اما روح زندگی در آن نیست، در مسیر زندگی دچار اختناق گردید. بعد از آن فرصت کاری در یکی از کشور های اسلامی برایش بوجود آمد و آنجا رفت. برای اولین بار بود که خود را در نزدیکی به اسلام و مسلمانان شناخت، در حالیکه پیش از این روز، با اسلام و مسلمانان هیچ شناختی نداشت، مگر شناخت بسیط و ساده و بلکه مغرضانه. اولین چیزی که نظرش را به خود جلب کرد این بود که او مسلمانان را با اعتماد به نفس و هدفمند در زندگی یافت.. بعد از آن اذان با آداب و معانی که برایش توضیح داده شده بود وی را به خود جذب نمود. در حالی که حرفی از قرآن نمی دانست شروع به شنیدن قرآن نمود. شیوایی، نظم و عظمت

محمد مارك یکی از هزاران نفری است که در سرای وسیع اسلام قدم گذاشته است. وی در یک خانواده ی سنتی در یکی از روستاهای انگلستان دیده به جهان گشود. در ابتدای زندگی، یک سنتگرای بسیار نمونه بود. سپس خانواده اش او را تسلیم میدان زندگی کرده و در آنجا با واقعیت های تلخ زندگی دست و پنجه نرم نمود و در نبردگاه زندگی به این نتیجه رسید که غلبه به قوت و هوشیاری و زرنگی است نه به صداقت و راستکاری و درست کرداری. او نخست به یک حیرانی، سرگشتگی، ناآرامی و پریشانی مواجه شد. و بعد به تحقیق و جستجو در باره ی صداقت و حقیقت پرداخت ولی صداقت و راستی را در محیط ما حول خود و کسانی که پیرامونش بودند، نیافت. در جستجوی صداقت و حقیقت در مذاهب و ادیان مانند: هندوئیسم، بودایی، کنفوسیوس و... پرداخت؛ اما مانند کسی که در تاریکی به دنبال گم شده اش می گردد و چیزی نمی یابد، چیزی از صداقت و حقیقت نیافت. بعد از آن پیرامون

بحث خویش روی به مذهبی از مذاهب کلیسا نمود. نخست باورمند شد که



استاد ندیم بیان داشتند که جمعیت اصلاح برنامه های فراگیر و همه جانبه دارد و در تمام برنامه خود، با مرجعیت اسلام فعالیت می نماید و یکی از بخش های مهم جمعیت اصلاح، کار رسانه ای است که با داشتن رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری و حضور فعال در صفحات اجتماعی فعالیت می نماید. ایشان در بخشی از صحبت خود، خطاب به خبرنگاران و صاحبان رسانه ها فرمودند: باید برنامه های رسانه های مان با ارزش های اسلامی و ملی ما همخوانی و سنخیت داشته و نباید رسانه ها پروژه ی شده و افکار و اندیشه های دیگران را انعکاس دهد؛ بلکه



باید هر رسانه در روشنایی اهداف ارزشمند ملی که طرح نموده است، به صورت مستقلانه به فعالیت بپردازد. برنامه با مناجات لحظه افطار و ادای نماز جماعت و صرف افطاری به پایان رسید.

گردانندگی بصیر احمد مبصر آغاز گردید. سپس استاد بصیر احمد دانشیار، استاد دانشگاه هرات، به ایراد صحبت پرداخته و در مورد نقش سازنده رسانه ها در بهبود جامعه صحبت مختصر و مفیدی تقدیم نمودند.

استاد دانشیار به نکاتی اساسی تمرکز نمودند که در رسانه های ما کمتر به آن ها توجه شده است و از جمله این نکات را مطرح نمودند:

- اولویت گزاری در هدف مداری.
- داشتن اتاق فکر که چگونه بتوانیم، مخاطب خود را به فکر وادار نماییم.
- بازسازی نظم موجوده و بهسازی آن
- توجه جدی به سرمایه های مادی و معنوی ملی.

- توجه به سازمان های بنیادی علمی.
- داشتن روحیه تغییری که جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب تغییر دهیم.
- باید سرگرمی مفید و مطلوب و آموزنده داشته باشیم.

- خلاقیت و ابتکار داشته و از کاپی برداری از دیگران اجتناب نماییم.
- و...

به تعقیب آن انجینیر غلام فاروق ندیم استاد دانشگاه هرات به ایراد صحبت پرداخته و جمعیت اصلاح را مختصر معرفی نموده و جایگاه رسانه را در فعالیت های جمعیت اصلاح نشاندهی نمودند.

کنفرانس: رسانه، جایگاه و رسالت

امروزه نقش و تأثیر رسانه بر همگان واضح است، رسانه ها می توانند مسیر ملت را دگرگون سازند؛ اگر صاحبان رسانه ها با شناخت رسالت بزرگ خویش، از رسانه



استفاده مطلوب نمایند، می توانند، مسیر جامعه را به سوی رشد و شگوفایی و سازندگی سوق دهند و بر عکس اگر نتوانند، مسوولیت خویش را به درستی انجام دهند و یا دچار انحراف شوند، جامعه را به تباهی می کشانند.

بخش نشرات و فرهنگی زون غرب جمعیت اصلاح با درک اهمیت موضوع، کنفرانسی را تحت عنوان (رسانه، جایگاه و رسالت) در روز شنبه پانزدهم رمضان المبارک در سالون کنفرانس های ابن سینای بلخی، برای خبرنگاران و صاحبان رسانه ها در حوزه هرات، تدویر نمود.

برنامه با تلاوت آیات روحبخش قرآنی توسط قاری صاحب محمد فرمان شکیبا و

اسلام جهان اخبار

نخستین ملاقات خانواده مرسی با وی
پس از ۴ سال زندان



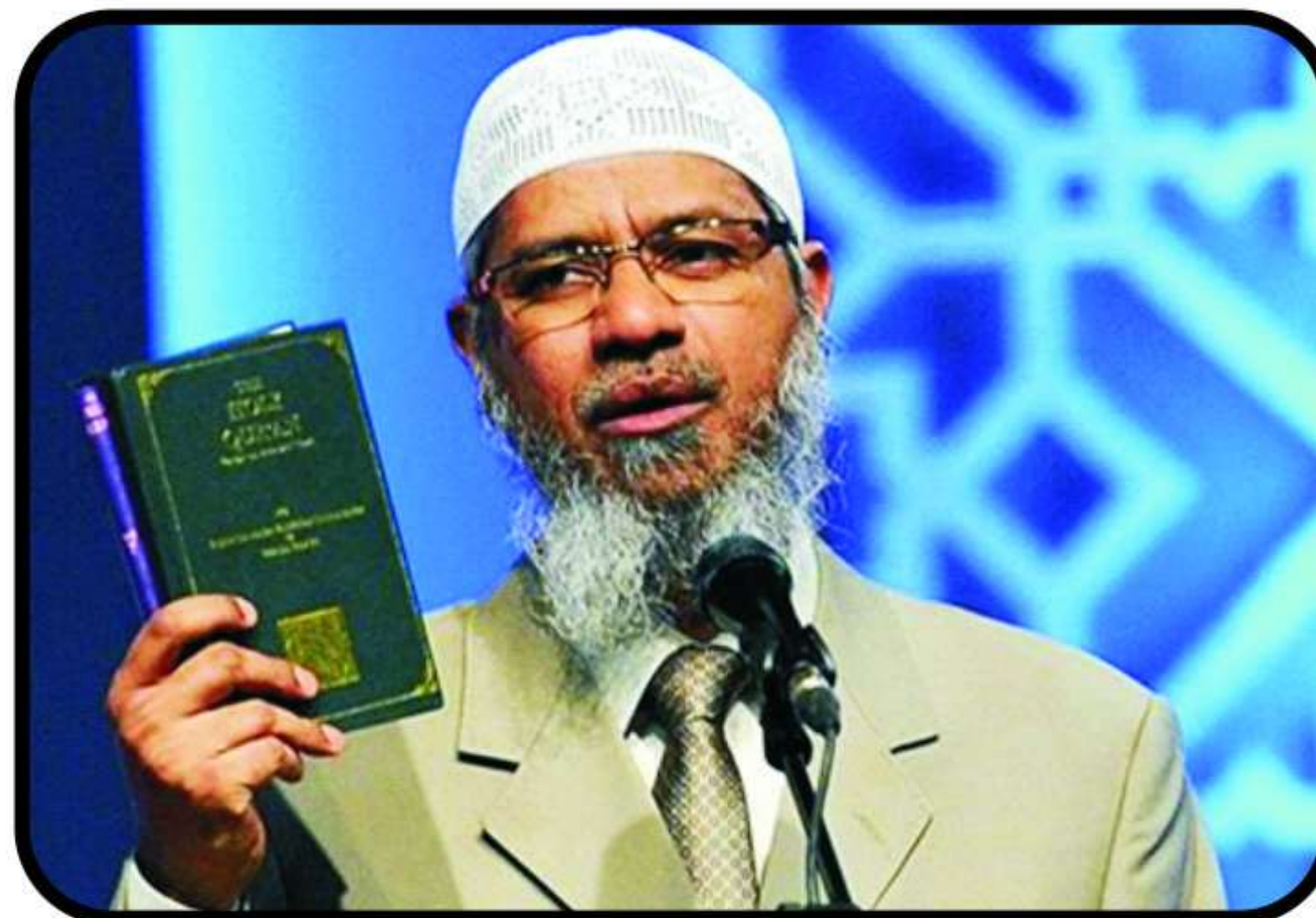
پسر رئیس جمهوری معزول مصر از
نخستین ملاقات خانواده با پدرش در زندان
از زمان برکناری از قدرت و دستگیری وی
خبر داد.

«عبدالله مرسی»، پسر کوچک «محمد
مرسی»، رئیس جمهوری برکنار شده این
کشور که در اوایل ماه ژوئیه سال ۲۰۱۳
میلادی از قدرت برکنار شد و در اوایل
سپتامبر همان سال نیز به زندان افتاد،
اعلام کرد که برای نخستین بار طی چهار
سال اخیر، خانواده وی توانستند در زندان با
پدرش ملاقات کنند.

عبدالله در حساب کاربری خود در شبکه
اجتماعی فیسبوک در این باره تاکید کرد
که پس از چهار سال دوری و ممنوعیت
کامل ملاقات با رئیس جمهوری پیشین
مصر، امروز مادرش و تنها خواهرش موفق
شدند در زندان با وی دیدار کنند و از شرایط
و وضعیت سلامت وی اطمینان یابند.



اظهار شگفتی دکتر ذاکر نایک از اتهامات
مطرح شده علیه وی



در پی اقدام عجیب دولت هند در متهم
کردن دکتر ذاکر نایک به تروریسم این
دعوتگر مشهور جهان اسلام نسبت به این
اقدام هند، ابراز شگفتی کرد.

دکتر نایک اعلام کرد که اتهامات مطرح
شده علیه وی به هیچ عنوان صحت نداشته
و فقط اقدامی است برای متوقف کردن
دعوت اسلامی.

دولت هند که ادعا میکند بزرگترین
دموکراسی دنیا است چند روز قبل از پلیس
بین الملل یا انترپل خواست که حکم
بازداشت دکتر نایک را صادر کند.

دهلی نو اتهام واهی پول شویی و درآمد
غیرقانونی را علیه شیخ ذاکر نایک مطرح
کرده و مدعی شده که این موارد در
موسسات خیریه که دکتر نایک اداره میکند
صورت گرفته است.

البته این اولین باری نیست که دولت هند
علیه دکتر نایک اعلام جرم کرده است،
پیش از این نیز دهلی نو شیخ ذاکر نایک را
به حمایت از تروریسم، انتشار دشمنی در
بین اتباع ادیان مختلف و انجام اعمالی که
امنیت هند را به خطر می اندازد، متهم کرده
بود.

این در حالی است که دکتر ذاکر نایک بار
این اتهامات گفته وی بیش از ۲۵ سال است
که مشغول دعوت به اسلام است و در این
این مدت به هیچ عنوان منهج خود را تغییر
نداده و حالا از شنیدن این اتهامات دولت
هند کاملاً شگفت زده شده است

توزیع ۵۰ هزار نسخه قرآن توسط ترکیه در بوسنی



حسن آتلی، رایزن امور دینی سفارت
ترکیه در کشور بوسنی و هرزگوین در
گفتگو با خبرنگار آناتولی گفت: روند توزیع
۵۰ هزار نسخه قرآن کریم با ترجمه
بوسنیایی در میان مسلمانان بوسنی و
هرزگوین آغاز شده است.

وی افزود: امر توزیع این قرآن ها در میان
مسلمانان کشورهای حوزه «بالکان» نظیر
کرواسی، صربستان، آلبانی، اسلوونی،
کوزوو، مقدونیه و مونته نگرو که به زبان
بوسنی مسلط هستند، ادامه خواهد داشت.

بنا به اعلام بنیاد سازمان امور دینی ترکیه،
۷۰۰ هزار نسخه قرآن مجید در چارچوب
برنامه «هدیه من قرآن» و با هماهنگی و
کمک مردم در ترکیه چاپ و تاکنون ۵۰۰
هزار نسخه آن به مسلمانان ۲۰ کشور جهان
اهداس شده است.

اخوان المسلمین اتهامات باطل عادل
الجبر را محکوم کرد



جماعت اخوان المسلمین «اتهامات باطل»
وزیر امور خارجه عربستان سعودی علیه
این گروه را محکوم کرد.

اخوان المسلمین با صدور بیانیه ای
همچنین اعلام کرد اعلام حمایت عربستان
سعودی از عبدالفتاح السیسی رئیس
جمهور مصر «بیش از آن که به مصری ها
آسیب برساند اهانت به عربستان سعودی

است»

اعلام حمایت اردوغان از قطر



«رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه از اقدام شماری از کشورهای عربی در تحریم قطر، انتقاد کرد.

اردوغان که دولتش در حمایت از جماعت اخوان المسلمین با دوحه همسو است، گفت در حال حاضر منطقه نیازمند «همبستگی و همکاری» است. وی که در یک ضیافت افطار صحبت می‌کرد، تأکید کرد که آنکارا نه تنها روابطش با قطر را قطع نمی‌کند، بلکه این رابطه را با تقویت همکاری‌های دوجانبه، ادامه می‌دهد.

اردوغان گفت: «منزوی کردن قطر، هیچ مسئله‌ای را حل نمی‌کند. ما هرچه در توان داریم، برای حل این بحران انجام می‌دهیم و به این کار ادامه خواهیم داد.»

۹۷ درصد قربانیان داعش مسلمان هستند



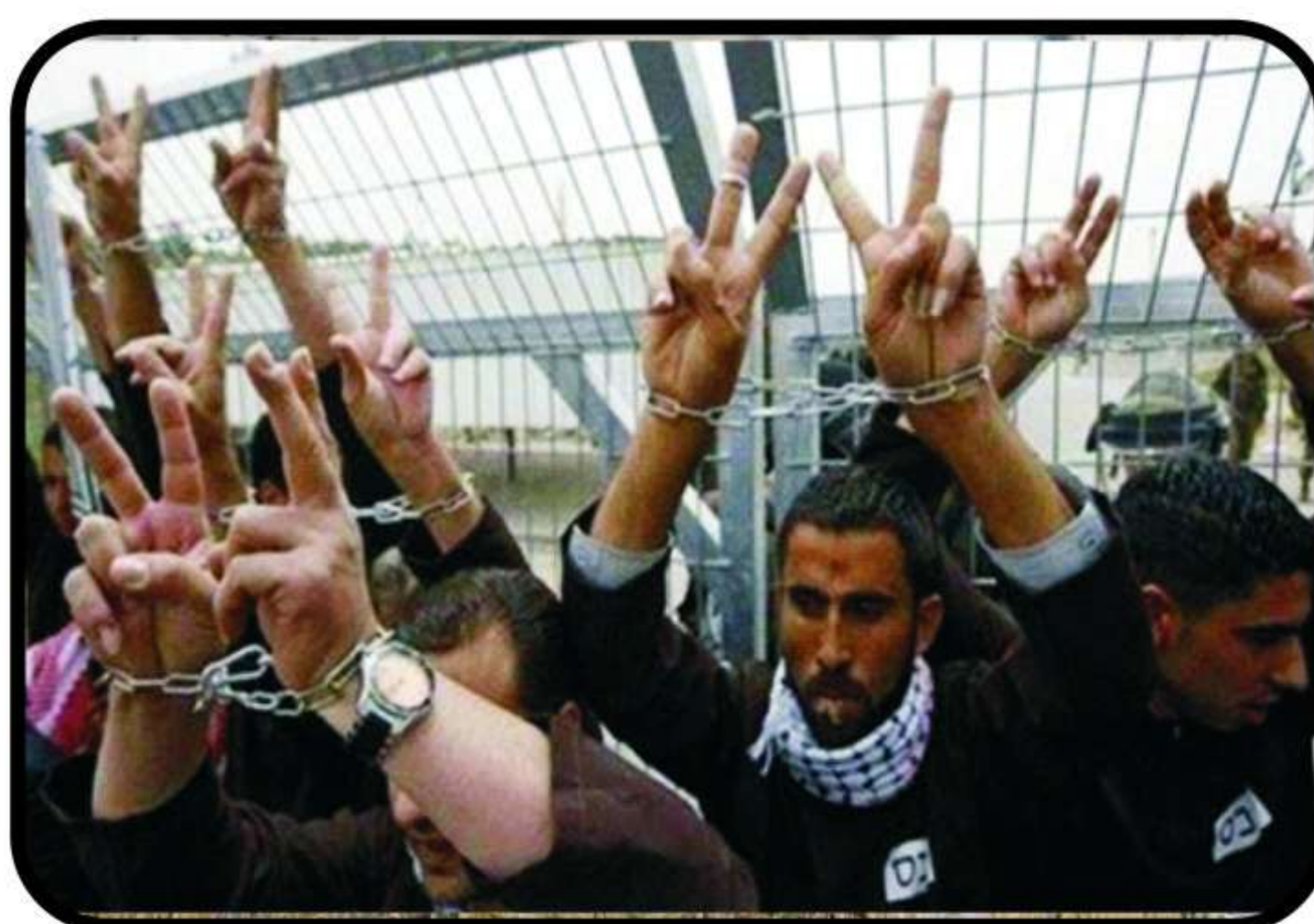
روزنامه ایندپندنت نوشت که حدود ۹۷ درصد قربانیان گروه تروریستی داعش را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

به گزارش شفقنا به نقل از العالم، روزنامه انگلیسی ایندپندنت خاطرنشان کرد، اکثر حملات گروه تروریستی داعش در کشورهای با اکثریت مسلمان روی می‌دهد و از نظر آماری این بدان معناست که بیشترین احتمال این است که قربانیان حملات داعش را مسلمانان تشکیل دهند.

این روزنامه آمار قابل توجهی از شمار قربانیان تروریسم در جهان منتشر کرد که نشان می‌دهد مسلمانان بیش از دیگران قربانی تروریسم هستند.

این روزنامه نوشت: از ۱۰ کشور اولی که با بزرگترین تهدید تروریستی مواجه هستند، هشت کشور دارای اکثریت مسلمان هستند.

پیروزی اراده اسرای فلسطینی بر سازمان زندان های رژیم صهیونیستی



اعتصاب غذایی اسرای فلسطینی در زندان های رژیم صهیونیستی، بعد از گذشت ۴۰ روز با پیروزی این اسرا پایان یافت.

اسرای فلسطینی که از ۲۸ ماه حمل گذشته به منظور تحقق خواسته های مشروع و عادلانه خود در زندان های رژیم صهیونیستی دست به اعتصاب غذا زده بودند، در نهایت در ۴۱ امین روز اعتصاب غذا و اولین روز از ماه مبارک رمضان بر سازمان زندان های صهیونیستی پیروز شدند.

قدوره فارس، رئیس انجمن اسرای فلسطین اعلام کرد که در پی توافق اسرای فلسطینی که از ۴۰ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده بودند، با اداره امور زندان های رژیم صهیونیستی، این اسرا امروز اعتصاب غذای خود را به حالت تعلیق درآوردند.

وی گفت: این تصمیم بعد از توافق با کمیته اعتصاب غذا به ریاست مروان البرغوثی و بعد از ۲۰ ساعت مذاکره اتخاذ شده است.

اداره زندان های رژیم صهیونیستی نیز با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: در پی توافق صورت گرفته، اسرای فلسطین به اعتصاب

غذای خود پس از ۴۰ روز پایان دادند. هیچ کدام از طرفین به جزئیات توافقنامه مذکور اشاره نکرده است.

گفتنی است که مهم ترین خواسته های اسرای فلسطینی توقف سیاست بازداشت موقت، پایان دادن به حبس در سلول انفرادی، برقراری منظم ملاقات اسرا با خانواده هایشان و ارائه خدمات مناسب طبی به اسرا بود. نزدیک به ۲۰۰ اسیر فلسطینی برای تحقق این خواسته هایشان از ۴۱ روز پیش دست به اعتصاب غذای سراسری زده بودند که ده ها نفر از آن ها تاکنون به خاطر وخامت حالشان به شفاخانه انتقال داده شده اند.

حذف نام مؤسس اخوان المسلمین از مسجدی در مصر



دولت مصر در ادامه سرکوب جماعت اخوان المسلمین، نام مؤسس این گروه را از مسجدی در استان البحیره حذف کرد. وزارت اوقاف مصر نام مسجد «الإمام حسن البنا» مؤسس جماعت اخوان المسلمین در استان البحیره را به مسجد «الرحمه» تغییر داد.

وزارت اوقاف مصر همچنین اعلام کرد که با مسئولانی که در امر اجرای دستورات در خصوص عدم وجود نام هیچ یک از گروه ها و جمعیت ها در مساجد کوتاهی کرده اند، برخورد خواهند کرد.



رمضان ماه خودسازی



وضعیت از ما می طلبد که با جان و مال و وقت خویش برای دفاع از ارزش های ایمانی سهم بگیریم و برنامه ها و فعالیت های دینی را با کمک مالی خویش حمایت نمایند و سنگر دعوت و دعوتگری را محکم داشته باشیم. به تعقیب آن کلیب معرفی جمعیت اصلاح به نمایش گذاشته شد و در آن به اهداف، برنامه ها، بخش ها و فعالیت های جمعیت اصلاح اشاره گردید.

در فرجام، این برنامه ایمانی با دعائیه دردمندانه استاد عبدالجلیل محمدی در لحظات افطار و ادای نماز شام و صرف افطاری به پایان رسید.

و طاغوتیان همیشه تلاش می نمایند تا با استفاده از روش های گوناگونی اهل حق و باورمندان را به انحراف کشانده و از مسیر الهی دور سازند، لذا بر هر مسلمان لازم است که در میدان مبارزه با باطل با قوت و نیرومندی و برنامه ریزی دقیق و سنجیده شده، آمادگی داشته باشد و تمام تلاش هایش را به کار اندازد تا دین را در مقابل باطل گرایان و دین ستیزان حفظ و نگهداری نماید.

ایشان در ادامه فرمودند: دعوت دینی، رسالت ایمانی ماست و باید پیام اسلام را به همگان برسانیم و دعوتگری فریضه دینی می باشد و می بایست هر کدام ما با استفاده از ابزار ها و وسایل دست داشته خویش در راه نشر اسلام و ارزش های دینی کوشا باشیم.

مولوی حمید الله حنیف در قسمتی از صحبت های خویش به جامعه افغانی مان اشاره کرده و بیان داشتند که دشمنان اسلام، جامعه ما را مورد هجوم قرار داده و با نشر انواع گمراهی ها و ایجاد شک و شبهات می خواهند، جوانان ما را به انحراف کشانده و نسبت به دین و ارزش های آن بی باور سازند، این

جمعیت اصلاح افغانستان که در جهت نهادینه ساختن ارزش های اسلامی در محور اصلاح فرد، خانواده و جامعه تلاش های شبانه روزی اش را هم چنان ادامه می دهد، با استفاده از فرصت مناسب ماه مبارک رمضان، ماه عبادت، تعاون، تقوا و سازندگی محفل روحانی و تزکیوی را تحت عنوان (رمضان ماه خود سازی)، در روز دوشنبه دهم رمضان المبارک در تالار پذیرایی شام هرات، برگزار نمود.

برنامه با گراندگی بصیر احمد مبصر و تلاوت آیات روحبخش قرآنی توسط قاری صاحب برهان الدین عادل آغاز گردید.

سپس مولوی حمید الله حنیف، خطیب مسجد جامع شیخ ها، به ایراد صحبت پرداخته و پیرامون (مسئولیت ما در قبال فعالیت های دینی) صحبت های ارزنده و مؤثری تقدیم نمودند.

مولوی صاحب حنیف در ابتدا به تاریخ مبارزه بین حق و باطل اشاره کرده و بیان داشتند که این مبارزه در طول تاریخ بشریت وجود داشته و هنوز هم ادامه دارد، و باطل گرایان



اجتماع بزرگ روضانی (شبى با قدر)



فردی داده شد و سپس ساعت ۲ شب تا سحر، برنامه با تهجد جمعی، و دعا و نیایش همراه بود.

پس از جماعت تهجد همه بسوی خوان سحری پهن شده در صحن بیرونی مسجد شتافته و با خوردن سحری و پس از آن نماز جماعت صبح، این اجتماع بزرگ ایمانی و روضانی اختتام یافت.

پیرامون «امت اسلامی؛ چالش‌ها و امیدها» با تقدیم شیوای شیخ القرآن مولانا سید عبیدالله حفظه‌الله پی گرفته شد.

استاد با بررسی سیر تاریخی و چالشهای موجود فرا راه امت اسلامی، ابراز داشت که این تاریکی‌ها دیری نخواهد پایید، افق فجر نجات نزدیک و نمودار است و آینده در قلمرو اسلام خواهد بود.

مقطع دوم همایش، با خوشخوانی زیبای سرود اسماء‌الله الحسنى توسط «قاری نوراحمد احدی» بدایت یافت و با تلاوت دو تن از قاریان خوش آواز و خوشنام شهر ما قاری محمد مسعود سلطانی و قاری محمد رامین عمیر برنامه انس با قرآن جریان پیدا کرد.

در ادامه، فرصتی برای تجدید وضوء و تهجد

«شبى با قدر» عنوان اجتماع بزرگ روضانی بود که شب جمعه بیست و یکم رمضان المبارک در مسجد جامع بزرگ خرقيه مبارکه از طرف جمعیت اصلاح هرات انجمن اخلاق و معرفت برگزار گردید.

این همایش ایمانی متصل به ادای نماز تراویح آغاز یافت.

آغازگر محفل تلاوت آیاتی از کتاب خدا بود، و سپس مولوی عبدالقدوس امینی استاد دارالعلوم شاه ولی الله دهلوی به ارائه‌ی مبحث «محبت با الله» پرداخته و بایسته‌ها و نبایسته‌های محبت با او تعالی را برشمردند. متعاقباً برنامه با سرود زیبای با صدای حاجی عبدالرحیم جامی و قاری ذبیح الله توکلی همراه بود.

سپس دومین صحبت محوری این بزم ایمانی



گزارش: بصیراحمد مبصر

اخلاق و معرفت

وبسایت ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان در زون غرب

www.Akhlaqmarefat.com

سایت اخلاق و معرفت با مطالب مفید و متنوع اسلامی در خدمت هموطنان عزیز و گرامی قرار دارد.

* دانلود کامل قرآن کریم و اذان از تمام قاریان مشهور جهان

* دانلود اناشید اسلامی

* دانلود ماه نامه معرفت نامه بصورت پی دی اف

* دانلود مقالات علمی و اسلامی

* دانلود مجموعه تفاسیر اهل سنت برای گوشی های هوشمند

* دانلود نرم افزار های کامپیوتری

* دانلود و مشاهده ی هفته های فهم قرآن کریم در هرات

* دانلود و مشاهده ی سلسله درس های در سایه های قرآن.

تصویری از سایت اخلاق و معرفت

